

به همه احزاب و سازمانهای برادر و مترقی و شخصیت‌های سیاسی و علمی و فرهنگی که از حزب توده ایران حمایت کرده‌اند

صفحه ۷

بیانیه کمیته برون مرزی حزب توده ایران اعلام جرم علیه قانون شکنی

مردم آزادیخواه ایران!

انسانهای شرافتمند سراسر جهان!

در جمهوری اسلامی ایران جنایت هیولناکی در حال تکمیل است. دستهای ناپاکی که قصد خفه کردن انقلاب ضد امپریالیستی و مزد می میهن ما را دارند، با قانون شکنی جدید تدارک یک قتل عام عمومی را از تمام دگراندیشان، از تمام آزاد یخواهان و از مردم زحمتکش می بینند، که بی چون و چرا و بنده وار تسلیم آنها نشوند.

دادستان کل انقلاب در خاکیمت جمهوری اسلامی ایران، طبق اطلاعهای از تمام اعضا و هواداران حزب توده ایران خواسته است، که تا تاریخ معینی خود را به محاکم اسلامی معرفی کنند در غیر اینصورت آنها را که خود را معرفی نکنند بعنوان " محارب " شناخته می شوند. که در قاموس این قانون شکنان جزایشان اعدام است. طبق موازین " اسلامی " موضوعه از طرف این قانون شکنان حتی برگزاری یک دادگاه ظاهری هم برای صدور حکم اعدام در مورد یک " محارب " ضروری نیست!

بقیه در صفحه ۳

راه توده

شهره‌داران حزب توده ایران در طرح از کشور

جمعه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۲۲ مطابق ۵ شعبان
۱۳۰۲ و ۲۰۰۰
سال اول شماره ۴۲
پهنا: ۴۰ سانتیمتر

آیا حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران "یکدست" شده است؟

اینجا کشاند هاند، که از " جرم " جدیدی در قاموس " اسلامی " خود صحبت می کنند. آنها برای توده‌های ما این " جرم " را نیز شناخته‌اند، که جسارت داشته‌اند اعلام بکنند که حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران از " دو حط " تشکیل شده بود. آنها برای این " جرم " پاندمین و فکر کردن و ارزیابی کردن، جزای اعدام را اعلام می کنند!

بقیه در صفحه ۱۴

این روزها تمام جناح‌ها و عناصر در حاکمیت جمهوری اسلامی از این صحبت می کنند، که در بین آنها " وحدت کلمه " برقرار است و هیچ نوع اختلاف ماهوی بین آنها دیده نمی شود.

همه " مسلمانند " برادر و دیگر کسی وجود ندارد که " بنده دست دهقانان را سند مالکیت " بداند و مورد مخالفت آنها قرار گیرد، که سند را " مالکیت شرعی " می دانند.

راستگرایان حاکم در حاکمیت حتی کار را بسه

زنده باد سیاست علمی، انقلابی و اصولی حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران

انقلاب ضد امپریالیستی (ملی) و مردمی (دمکراتیک) میهن ما پاسخی ضروری بود، به تضاد خلق با امپریالیسم و با رژیم ضد مردمی سلطنتی. این انقلاب عظیم و شکوهمند در ساختار و قانونمندی عمومی خود در انطباق کامل بود با تمام انقلابات ضد امپریالیستی و آزاد بخش دوران، یعنی دوران گذار از سرما - یخداری به سوسیالیسم.

ویژگی " ایرانی " انقلاب در آن بود، که تحت رهبری دمکرات‌های انقلابی ای قرار داشت، که از مذهب اسلام درک ضد امپریالیستی و مردمی را ارائه کردند.

خواستهای انقلاب، که در شعارهای آن تبلور یافته است یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، خواسته‌هایی هستند که زحمتکشان میهن ما، که همه میهن دوستان انقلابی، در یک نبرد نابرابر با رژیم سلطنتی - ساواکی شاه، یافتند و آن را با جانفشانی و رشته‌های تن خود تنیدند و با خون خود بر پرچم انقلاب نوشتند. این بقیه در صفحه ۲

محافل بین المللی و افکار عمومی جهانی نمایش شوم علیه حزب توده ایران را محکوم می کنند

سایر مبارزین ضدفاشیست از تاریخ سیزدهم تا پانزدهم ماه مه در هامبورگ برگزار گردید. در این کنفرانس سرشناسترین چهره‌های جنبه مقاومت در برابر فاشیسم شرکت داشتند، قطعاً - مه‌ای در رابطه با دستگیری و شکنجه رهبران و اعضا " حزب توده " ایران بتصوب رسید. به علت اهمیت مطلب " راه توده " اقدام بدرج متن کامل قطعنامه می نماید.

بقیه در صفحه ۷

کنگره سراسری سازمان
ضدفاشیستی آلمان فدرال:
جان میهن پرستان ایرانی را
نجات دهیم!

کنگره سراسری سازمان ضدفاشیستها با شرکت بیش از هزار نفر از نمایندگان سازمانها و احزاب دمکراتیک داخلی و احزاب برادر و

کارگران، دهقانان، جوانان و روشنفکران انقلابی برای دفاع از دستاوردهای انقلاب به صفوف حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید!

زنده باد سیاست علمی، انقلابی و اصولی حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران

بقیه از صفحه ۱

خواستار استواران انقلابی عجیب شده و گرم خورده است. بی جهت نیست، که ضد انقلاب و امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا قادر نشد و نخواهد شد، که زحمتکشان را از اهداف انقلابی دور کند. قادر نخواهند شد پرچم خونین انقلاب را از دست خلق انقلابی بزدند.

شرکت وسیعترین اقشار مردم میهن ما، از زحمتکشان شهر و ده گرفته تا اقشار بینابینی و متزلزل در انقلاب ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی، نشانهای بود، از عمق زلزله اجتماعی ای که قریب به ۵ سال پیش، میهن ما را فرا گرفت.

شرکت فعال حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران در این انقلاب، و پهنیانی قاطع و پیگیر آن از اهداف ضد امپریالیستی و مردمی آن، وظیفه تاریخی ای بود، که حزب ما با سربلندی به آن عمل کرد. از این طریق اعتبار و حیثیت حزب در بین مردم بالا رفت و نفوذ سیاسی حزب در میان زحمتکشان شهر و روستا چشمگیرتر شد.

پیگیری حزب ما برای تحقق اهداف انقلاب و تامین عدالت اجتماعی به نفع زحمتکشان به وسیله عده های تبدیل شد برای باز یافتن و باز شناختن حزب - به عنوان استوارترین نیروی مدافع منافع طبقه کارگر و حقانان بی زمین و کم زمین و روشنفکران و جوانان انقلابی - توسط این طبقات و اقشار - یکی از علل عده های کینه ضد انقلاب و راستگرایان را بران داشت، که علیه حزب ما به توطئه خائنه و اوباشگرانه فعلی دست برزنده در همین بالا رفتن اعتبار و حیثیت و نفوذ حزب ما بود. همچنین عده ترین علتی که باعث شده تا نیروهای مسلمانی کینه نقش قاطع ضد امپریالیستی ایفا کردند و برای تامین عدالت اجتماعی وعده داده بودند به بیورش به حزب ما تن بد دهند، نیز در همین بالا رفتن نفوذ حزب ما در بین زحمتکشان شهر و روستا، در بین طبقه کارگر است. این نیروها که حزب توده ایران را ریب خود می بینند، می کوشند با شیوه های ضد انقلابی و کهنه، نابودش کنند، تا ضعف و عدم پیگیری خود را در تحقق وعده های خود به خلق مستور سازند. اکنون که این نیروها پرچم انقلاب را، که بر روی آن خواسته های توده های ملیونی زحمتکش میهن ما برای تامین آزادی و عدالت اجتماعی، ثبت شده است، بر زمین گذاشته اند، از این وحشت دارند، که زحمتکشان دیگر نه به پیروی از آنها، بلکه به پیروی از حزب ما، که این پرچم را بر زمین نگذاشته است و نخواهد

گذاشت حرکت کنند. این وحشت بچسب است!

حزب ما، حزب طبقه کارگر ایران، در عمل انقلابی خود نشان داده است، کسه پیگیرترین، قاطع ترین و استوارترین مدافع منافع طبقه کارگر، دهقانان بی زمین و کم زمین، اقشار میانه زحمتکش، روشنفکران، زنان و جوانان انقلابی است! حزب ما پیگیرانه و قاطعانه پرچم خونین انقلاب را بردوش کشیده است و استوار به این وظیفه خود عمل خواهد کرد.

ما پرچم خونین را بر زمین نخواهیم گذاشت!

ما با تحلیل روشن و علمی از مجتوی و جهت انقلاب شوکمند ۲۲ بهمن، دفاع از آن و اهداف و دستاوردهای آنرا به برنامه عمل انقلابی خود تبدیل کردیم و هیچ عاملی ما را از این عمل انقلابی باز نخواهد گرداند.

تغییر تناسب قوا به نفع نیروهای ضد انقلابی و راستگرا در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، که در ایجاد آن مآشات و عقب نشینی و بی برنامه گی نیروهای مسلمانی، که رهبری انقلاب را در دست داشتند، در کنار توطئه های امپریالیستی و ترسور شخصیت های قاطع و ضد امپریالیست و همچنین شانناژ ضد کمونیستی اعمال شده توسط ضد انقلاب، نقش عده های ایفا کرد، علت بحران شکست آفرین برای انقلاب است.



این بحران شکست آفرین دلیل نادرستی سیاست حزب توده ایران در دفاع از دستاوردهای انقلاب و حاملین آن زمان این دستاوردها نیست!

بحرانی که انقلاب را به سرایش شکست کشانده است، ولی هنوز بعلت وجود توان انقلابی خلق به پیروزی کامل ضد انقلاب بر انقلاب منجر شده است، نه به علت نادرستی سیاست حزب توده ایران در دفاع از مسلمانان مبارز، بلکه بعلت این تغییر تناسب قوا به نفع ضد انقلاب در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است.

این تجربه تلخ می آموزد، که برای پیروزی انقلاب داشتن خط درست سیاسی و حفظ تحکیم تناسب قوا به نفع انقلاب هر دو به عنوان دو عامل لازم و ملزوم یکدیگر، به عنوان دو روی یک مدال برای حفظ انقلاب و دستاوردهای آن در دست توطئه های براندازی ضد انقلاب، لازم اند!

جبهه متحد خلق تنها راه نجات انقلاب

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران با درود آتشین به مسلمانان انقلابی، به همه زحمتکشان شهر و ده، به همه روشنفکران و جوانان انقلابی، یکبار دیگر استواری خود را در دفاع از دستاوردهای انقلاب اعلام می کند. نبرد انقلابی با شدت ادامه دارد. نبرد انقلابی به مرحله جدیدی از تعمیق خود رسیده است. ما پیشنهاد حزب خود را برای تشکیل جبهه متحد خلق با تمام نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی و خواهان ترقی و شکوفائی میهن عزیزمان ایران و تامین عدالت اجتماعی برای زحمتکشان، تکرار می کنیم و دست دوستی بسوی آنان دراز می کنیم!

باشد تا با استواری و قاطعیت انقلابی و متحداً خطر سهمگین پیروزی ضد انقلاب و راستگرایان را بر انقلاب بر طرف سازیم! مسلمانانی که نقش رهبری انقلاب را بعهده گرفته بودند قادر نشدند با یافتن متحدان طبیعی و واقعی در مقاطع مختلف رشد انقلاب، تناسب قوا به نفع انقلاب و تعمیق آن را در حاکمیت جمهوری اسلامی ایجاد، تحکیم و حفظ کنند. آنها مسئولیت روشن تفوق قوای ضد انقلاب و راستگرا - بیان را در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به دوش می کشند و به خلق و تاریخ پاسخگو هستند!

درود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

غوغای تبلیغاتی ضد شوروی و ضد کمونیستی در ایران

بیانات استاد انور علی اف دانشمند شوروی

سی از جمهوری اسلامی خمینی، مخصوصاً از طرف اتحاد شوروی به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد. این است علت اصلی شوروی ستیزی، انتشار مهملات، اراجیف و دروغ‌های شاخدار علیه اتحاد شوروی، کشور دوست و همسایه نیکخواه ایران.

مرتجعین از درونمای همکاری متساوی - الحقوق با سود مشترک بین ایران و اتحاد شوروی وحشت دارند و میکوشند هر چه زود تر ایران را به ورطه سیاست دوستی و همکاری بسا امپریالیسم، سیاستی که در زمان رژیم شاه تغیب میشد، بکشانند. کیست که باور کند که گویا اتحاد شوروی به جاسوسی رهبران حزب توده ایران احتیاج داشت؟ جاسوسی درباره چه؟ راجع به کارخانجات عظیم اتمی و هسته‌ای ایران؟ درباره سلاح های خارق العاده؟ جدید ساخت ایران که در دنیا نظیر ندارد؟ در سواره نقشه‌های پیروزی آور استراتژی جهانی ایران؟ مردم انتشار دهندگان این هذیانات و اراجیف را ریشخند میکنند و هیچ کس به این دروغ‌ها باور نمی‌کند مگر آنهایی که بدستور خودشان این مهملات انتشار می‌یابد. خائنین به انقلاب سلب مردمی و ضد امپریالیستی ایران برای سلب اعتبار و بدنام کردن حزب توده، ایران، اتحاد شوروی، کشورهای سوسیالیستی، نهضت های آزادی طلب، رجال برجسته ضد امپریالیسم و خلاصه آنچه که با منافع شوروی و امپریالیسم مطابقت ندارد، از چیزی ابا ندارند و فسو گذار نمی‌کنند. چه خوب گفته شاعر نامی ایران افزاشته:

يك رشته اراجيف و باطيل زننده،
يك سلسله لا طائل مسموم كننده
می‌شعری و می‌گویی و می‌چایی وانگار
در نیمه دی ماه یخی آمده بازار

پس مرتجعین و عمال امپریالیسم باید بدانند که ملحق شدن آنها به جنگ صلیبی ریگان بر ضد کمونیسم، تبلیغات ضد شوروی آنها، دسایس و دروغ پردازی آنها نتیجه‌ای نخواهد بخشید. اینها همه تصف سربالائی است مردم شوروی دوست وفادار خلق‌های ایران بوده، هستند و خواهند بود. مردم شوروی مایلند کشور ایران را پر رونق و مستقل و مردم ایران را سعادت‌تند، آزاد و ضی ببینند. سیاست لنینی کشور ما بلا تغییر است. اتحاد شوروی از اصلی لنینی احترام حق حاکمیت و استقلال تمام کشورهای عدم مداخله در امور داخلی آنان و تحکیم روابط دوستی و همکاری ثمر بخش با تمام ممالک و مخصوصاً با کشورهای همسایه، پی‌شوروی مینماید. و هیچ نیروی وجود ندارد که قادر باشد خلق‌های کشور ما را علیه یکدیگر تحریک کند. دوستی ملل اتحاد شوروی و ایران پابرجا و خلل ناپذیر است.

است، چرا باید مورد تعقیب و تزییق قرار گیرد؟ بسیاری از احزاب کمونیستی در بیانیه سوم ماه مارس سال جاری خود بسیار صحیح گفته‌اند که تجربه تاریخی در کشورهای منطقه و خارج از آن، در دوران فعلی و در گذشته، می‌آموزد، که تهاجم به حقوق دموکراتیک و قانونی بی‌گیرترین مبارزان ضد امپریالیسم و ضد ارتجاع، آغاز شکست نهائی انقلاب است. این هشدار بسیار مهمی است. هدف ارتجاع روشن است. سلب اعتبار و بدنام کردن حزب توده، ایران، سازمانی که بی‌باکانه از روی دسایس آن پرده دری می‌کند و مردم را از توطئه‌های امپریالیسم و عمال آن آگاه می‌ساخت و در هر قدم از منافع و مصالح مردم زحمتکش دفاع مینماید. در عین حال برای باز کردن راه ورود و برقراری تسلط مجدد امپریالیسم، ارتجاع و عمال آن قصد دارند مردم ایران را فریب داده و بر مناسبات ایران و اتحاد شوروی ضربه وارد آورند. و این هدف دوم توطئه امپریالیستی در این روزهاست. این نقشه طبق همان دستورات کذائی برژینسکی، معاون امنیتی رئیس جمهور آمریکا صورت می‌گیرد که گفته بود: رئیس جمهور همچنین دستور داده است که باید از جوسوف ظن و عدم اعتمادی که در بین ایران و همسایگانش وجود دارد، استفاده کرده رئیس جمهور یقین دارد که قطع پیشیانی سلب

اکنون امپریالیسم و متفقین ایرانی آن درصدد برآید مانند تاساورد های انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی خلق قهرمان ایران را از بین برده رژیم ظلم و ستم سرمایه‌داری و بزرگ مالکی را به زحمتکشان تحمیل نمایند و روابط خود را با کشورهای غارتگر و ستم پیشه امپریالیستی دوباره برقرار سازند. قوای ارتجاعی ایران تنها بوسیله از بین بردن حزب توده، ایران، این بی‌گیرترین مبارز راه آزادی و استقلال و نجات ایران از ستم امپریالیستی و استثمار سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، می‌توانند به این مقصد شوم خود برسند.

تبلیغات ضد کمونیستی، بعنوان مقدمه روی کار آمدن ارتجاع و فاشیسم در تاریخ سابقه طولانی دارد. مگر فاشیست های هیطری قبل از استقرار رژیم خود رایشستاگ را آتش نزدند و بگردن کمونیست های آلمان و دوستانشان نینداختند؟ مگر در خود ایران جنایاتی را که رژیم شاه و بعد از انقلاب ایادی آنها مرتکب می‌شدند، بگردن حزب توده، ایران نمی‌انداختند؟ در جهان ثابت شده که نتیجه سیاست ضد کمونیستی در هر کشوری مقدمه برقراری رژیم فاشیستی و ارتجاعی است. و گرنه حزبی که از اولین روز انقلاب از خط مردمی و ضد امپریالیستی آیت الله خمینی پشتیبانی کرده و در راه اجرای قانون اساسی مبارزه نموده

بیانیه کمیته برون مرزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱
مردم آزاد یخخواه جهان! این قانون شکی که با نقض اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (از جمله اصول ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹) در شرف تکوین است در آن محدودیت آزادی های دموکراتیک، تقویت عقاید و خفقان را در میهن ما اوج بیسابقه‌ای خواهد داد. انسانهای شریف جهان! هدف نیروهای ضد انقلاب و مداخله کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی که مواضع خود را در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران هر روز تحکیم بیشتری می‌بخشند، آن است که یک رژیم بربر مشانه فاشیستی در ایران حاکم کند، که در آن همانند جمهوری آفریقای جنوبی، انسانها به درجه یک و درجه دو تقسیم شوند. انسانهای درجه دو آنها می‌باشند، که بنحوی نسبت به قانون شکی و بی‌عدالتی اعتراض کنند، کار بخوابند، کلمه‌ای در سبزه حقوق خود بر زبان آورند و به عبارت دیگر آن چیزی را طلب کنند که مردم انقلابی با خون خود بر روی پرچم انقلاب ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری نوشته بودند: استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی.

عناصر ضد انقلابی و ضد مردمی، که هر روز بیشتر در حاکمیت جمهوری اسلامی مستقر می-

شوند تدارک قتل عام تمام این انسانهای زحمتکش را تحت عنوان هوادار حزب توده، ایران می‌بینند!
آنها می‌خواهند آن انسانهای "درجه دو" را که خود را بعنوان هوادار حزب توده، ایران به مقامات مربوطه معرفی کنند، در زندانی بزرگ، در مقیاس ایران به اسارت بگیرند! از حق کار، حق تحصیل، حق مسافرت، حق شرکت در تعیین سرنوشت خود و میهنشان محروم سازند! و هر روز که "سیا" ست بربرمشانه، آنها اقتضا کرد بعنوان "مبارک" به جوخه آتش بپارند!
مردم آزاد یخخواه ایران!
مردم شرافتمند در سراسر جهان!
جنایت هولناک در شرف تکوین را افشا کنید!

دست خونیین ضد انقلاب پنهان را از فرود آمدن بسازد!

دفاع از زندانیان توده‌ای و دفاع از حزب توده ایران، دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است!

کمیته برون مرزی حزب توده ایران
۲۰ اردیبهشت ۶۲

"اتحاد نامقدس" برای سرکوب حزب توده ایران

بین ضد انقلاب، راستگرایان، تسلیم طلبان و مماشائگران يك اتحاد نامقدس ایجاد شده است، که هدف آن سرکوب حزب توده ایران و محور فیزیکی آن است. بررسی خواست مشترک این نیروها در سرکوب حزب ما یکبار دیگر در درس پیری را به همه نیروهای صادق می دهد. در س می دهد، که جزا نمی توان فرصت طلبانه بیه هر وسیله ای برای رسیدن به هدف تن داد و آنرا به کار برد.

علت و هدف ضد انقلاب و راستگرایان برای سرکوب جنبش تودهای از بد و پیدایش حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران تخییری نیافته است. آنها حزب ما را گورکن خود می دانستند و می دانند و تعجب آور نیست، که در تمام طول این ۴۱ سال از هیچ وسیله ای برای سرکوب حزب ما غافل نماندند. آنها سبک بارها و بارها جشن گرفتند و دست بهم مالیدند و دلخوش کردند، که حزب توده ایران را، حزب شهیدا، حزب پایدار و قهرمانی را، از بین بردند و هر بار از غضب برخوردار پیچیدند، که مرده پیدا شده، استوارتر و تنومندتر سر بلند کرد.

رجز خوانی های این بار آنها نیز از این قانون مستثنی نیست. در این تردیدی وجود ندارد!

"برزنده باید گریست"

اما علت آن که تسلیم طلبان و به ویژه مماشائگران با ضد انقلاب و راستگرایان در این "اتحاد نامقدس" شرکت می کنند، چیست؟ تسلیم طلبان، که کوچکترین امیدی برای تحقق اهداف اولیه خود ندارند و برای حفظ موقعیت و حتی جان خود به جبهه متحد ضد انقلاب و راستگرایان تسلیم شده اند، بدیهی است، که

باید نه فقط به ساز آنها برقصند، بلکه خوشرقصی نیز بکنند، تا بتوانند به مشروطیت و سبک خود "آخرت" خود برسند. مماشائگران نیز که امید خود را برای تحقق اهداف اولیه خود، امید خود را برای اجرای قانون اساسی ای، که خود تدوین و تنظیم کرده اند و انطباق آن را با "موازیسن شرعی" مورد تأیید قرار داده اند، چاره ای برین نیافته اند که در این اتحاد نامقدس شرکت

کنند، و لکه ننگ قانون شکنی را بنید بزنند. آنها وقتی دیدند که امکان آن را ندارند، که وعده های خود به زحمتکشان را تحقق به بخشند به وحشت افتادند. آنها دیدند، که خلق از آنها حساب پس می خواهد! آنها دیدند، که دهقانان، که از زیانشان شنیده اند، که "زمین مال کسی است، که روی آن کار می کند"، که "سند مالکیت پینه دست" زحمتکشان است، آنها را مورد بازخواست قرار می دهند. آنها که می دانستند، که کارگران فراموش نمی کنند که حق تعیین سرنوشت و شرکت کارگران در شوراها و سند یگاها، حق قانونی و انقلابی است. آنها می دانستند که خلق انقلابی که علیه رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه جنیده است، حکم خود را در باره خفقان "شرعی" هم می دهد و فراموش نمی کند که یک روزی مماشائگران تعهد کرده بودند، که در جمهوری اسلامی ابراز عقیده آزاد باشد، که تفتیش عقاید ممنوع باشد، که تشکیل احزاب و سند یگاها حق مسلم دگراوند - یشان باشد. آری وقتی مماشائگران به تعهدات خود اندیشیدند و امید می برای آن که به این تعهدات عمل کنند، نیافتند، به وحشت می افتند و به فکریافتن راه چاره!

آنها، می توانستند راه چاره انقلابی را بیابند و با کمک گرفتن از توان انقلابی خلق، راه عمل به تعهدات خود در مقابل خلق را بیاز کنند، ولی باین راه نرفتند. چون به این راه نرفتند و دیدند، که حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، حزب زحمتکشان روستا،

دهقانان کم زمین و بی زمین، حزب روشنفکران و جوانان انقلابی، حزب زنان و مردان میهن دوست، پرچم خونین انقلاب را، که بر روی آن اهداف خلق انقلابی - استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی - حک شده است، برافراشته نگه داشته است، بیه این نتیجه رسیدند، که باید به فکر چاره باشند.

چاره کار چه بسود؟

این نبود که خود را از کنار پرتگاه به کنار بکشند و نجات دهند، آنها چاره کار را در آن دیدند، که خود را به سرایش سقوط بیندازند چسرا؟ زیرا از تعمیق انقلاب به وحشت افتادند، زیرا دیدند، که باید خود را بطور کامل از اسلام آمریکایی جدا کنند. آنها خواستند و نتوانستند به راه تعمیق انقلاب قدم بگذارند و حتی "ضرورت" اجرای قوانین "ثانویه" را با اکثریت آرای مجلس اجرا کنند، بلکه عقب نشستند و به دوسوم آرا تن دادند و این آخرین تن دادن نبود و نمی توانست باشد. آنها تن دادن به زیر پا گذاشتن تمام تعهداتی که کرده بودند. در مورد حزب ما به سرکوب و حشیانه آن تن دادند، زیرا دیدند، که حزبی که پرچم انقلاب را رها نمی کند، قادر خواهد بود در یک نبرد سیاسی و قانونی رهبری خلق را بدست بگیرد و انقلاب را تعمیق بخشد. آنها که دیدند که خود با مفاشات و عقب نشینی زمین را از زیر پای خود کشیدند و امکان حفظ رهبری انقلاب را نخواهند داشت، لذا چاره ای هم نداشتند، جز آن که "رقیب" خود را از صحنه خارج سازند. اما چون هیچ گونه دلیل قانونی برای سرکوب حزب ما نداشتند و نیافتند، چون پایبندی ما را به موازین قانونی، به قانون اساسی به اعلامیه ده ماده ای دادستانی دیدند، چون دفاع صادقانه حزب را از اهداف انقلاب می دیدند و می دیدند، که زحمتکشان هر روز بیشتر سیاه واقعی حزب خود را، که دشمن سلطنتی و غیر سلطنتی آن، ده ده بر رویش لجن مالیده بودند، باز می شناختند و با احترام عمیق به آن به دور آن تنگ و تنگتر جمع می شدند، چاره ای هم نداشتند تا از طریق غیر قانونی عمل بکنند و بیه کمک "اسناد" اینتلیجنت سرویس و سیا و بیه کمک "سیا" چهره گان گمنام و با نام به حزب ما یورش ببرند! اما از آنجا که این یورش را نمی توانستند از راه قانونی به پایان برسانند، یعنی با برگزاری يك دادگاه علنی و قانونی، "اسناد" خود را و "گزارش دهندگان" را بر ملا سازند، چاره ای هم ندیدند، جز آنکه با به کار گرفتن اسلوب شرعی "تحریر"، که همان شکنجه آریامهری به اضافه اسلوب ظریف "لابراتوری" سیا و اینتلیجنت سرویس است، سقوط خود را در سرایش جدا و دور شدن از اسلوب انقلابی، تسریح کنند و به راهی بروند، که نه بر مرده، بلکه برزنده باید گریست!

حزب جمهوری اسلامی اولین کنگره خود را برگزار می کند!

را در قریب تنگشان هم آرام نمی گذارد، بطور قطع آن است، که این حزب اولین کنگره خود را زمانی برگزار می کند، که شرایط اجتماعی با شرایط کنگره "حزب رستاخیز" در تشابه کامل است و لذا نامی که مردم به این اولین کنگره داده اند، افشاء کننده است: "اولین کنگره حزب رستاخیزی جمهوری اسلامی" ما پس از دریافت اطلاعات بیشتر در رابطه با تعهدات این کنگره، با هم در باره آن صحبت خواهیم کرد.

در واقع هم شرایط برای برگزاری اولین کنگره حزب جمهوری اسلامی آماده شده است! هم در درون حزب، که حاکمیت راستگرایان و حجتیهای نادران تحکیم شده است و هم در خارج، که در آن با قانون شکنی و نقض عملی اصل ۲۶ قانون اساسی يك وضع "تک حزبی" ایجاد شده است! آنچه که به طور قطع برای بنیان ضد سرمایه داری و ضد فئودال این حزب سنگین است و آنها

نباید گذاشت اسرار این جنایت حیوانی و هولناک علیه زندانیان توده‌ای به خاک سپرده شود

تکنولوژی پزشکی "سیا" در خدمت جمهوری اسلامی ایران

پس از پخش سناریو "اقراریه رهبران حزب توده ایران، که به کارگردانی سیا، موساد و اینتلجنت سرویس و ساواک در خدمت جمهوری اسلامی، در "استودیو اوین" تهیه دیده شده بود، مقالات متعددی به دست هیئت تحریریه راه توده رسید که هر یک افشا کننده شیوه‌های خاصی از شکنجه‌ها و شکنجه‌های جسمی و روانی است. "راه توده" جهت آشنا ساختن خوانندگان خود با شیوه‌های مختلف شکنجه و انواع و اقسام داروهای مبادرت به چاپ بعضی از این مقالات رسیده می‌کند. سازمانهای جهانی "امنیتی" از قبیل سیا، موساد و غیره در اعمال شکنجه‌های گوناگون و کاربرد مواد شیمیایی روی انسانهای درینست در آمریکا، آمریکا لاتین، خاور میانه و آفریقا بد طولایی دارند.

برگ برگ تاریخ سیا این سازمانها شاهد این مدعاست.

سازمان جاسوسی "سیا" در کنار اختراع وسایل مدرن شکنجه‌های جسمی و روانی، برای دست یافتن به داروهای جدید و جدیدتر در تلاش تب‌الودیر است. و در این راه از صرف میلیونها دلار جهت ایجاد آزمایشگاه‌ها و لابراتوارهای مجهز و مدرن و تشکیل هیئت‌های پژوهشی و تحقیقی کوتاه نمی‌کند.

اکنون سیا هجالیهای زندان‌های شاه ساخته جمهوری اسلامی به آزمایشگاه داروهای جدید "سیا" بدل شده و قربانیان خود را از میان راد مردان توده‌ای برگزیده است.

اینکه جلادان اوین به کدام شیوه دست یازیده و از کدامین داروها بهره جسته‌اند، فقط برای خود این جلادان معلوم است! ولی آنچه که برای ما معلوم است این است که نباید گذاشت اسرار این جنایت حیوانی و هولناک از انظار پنهان مانده، در مغاک فراموشی افتد.

لازمه افشای این اسرار، اعزام هیئتی ناظر بی‌طرف و بین‌المللی مرکب از حقوق‌دانان و پزشکان متخصص در امر شکنجه‌های جسمی و روانی به ایران و دیدار آنان با زندانیان توده‌ایست. تنها بدین طریق است که نحوه شکنجه‌ها، نوع داروها و در نهایت اسرار این جنایت با تمام ابعادش کشف خواهد شد.

ولی آیا مقامات جمهوری اسلامی حسابشان آنقدر پاک است که باکی از ورود چنین هیئت‌هایی و بازدید آنان از زندانیان نداشته باشند؟ اگر چنین است و مقامات جمهوری به صحت "اعترافات" اعتقاد دارند و آن را ناشی از "هدایت" متهمین و نه چیز دیگر - می‌دانند، باید ویدون هراس و دلهره، اجازه دهند که یک هیئت ناظر بی‌طرف بین‌المللی

مشکل از حقوق‌دانان و پزشکان متخصص و روزنامه نگاران، وارد ایران شده، از نزدیک با زندانیان دیدار کرده و نحوه دریاقت "اعترافات" را به مردم ایران و جهان روشن کنند.

پزشک روانکا و الجزایری دکتر خیرالدین مصطفی که خود طعم حبس و تبعید و شکنجه را چشیده است، پس از ملاحظه صحنه‌های "اعترافات" تجربیات و مطالعات خود را در اختیار ما گذاشت. دکتر خیرالدین در مورد این سؤال که چگونه جلادان توانسته‌اند این مبارزان قدیمی و آبدیده کارگری را که هر یک سخت‌ترین امتحانات را تحمل شده و از تعهدات خود دست برنداشته‌اند، به چنین اظهاراتی وادارند، گفت:

"با ترکیب چند شیوه شکنجه جسمی، روانی و شیمیایی (داروشیمی) می‌توانند شخصیت افراد تحت شکنجه را کاملاً خرد کنند و آنان را به کالبد‌هایی تبدیل کنند که مطالب تلقین شده را تکرار نمایند و به عبارتی آنان را مسخ کنند. شکنجه‌های وحشیانه جسمی که همه از ساواک شاه به ارث برده شده برای تضعیف جسمانی افراد بکار می‌رود تا شکنجه‌های روانی و شیمیایی، موثر واقع شود. مهم‌ترین شیوه شکنج روانی، "انزوای محض" است، یعنی محبوس ساختن انقلابیونی که تحت شکنجه‌های شدید جسمی از پای درآمدند در اتاقی که نور و صدا اصلاً به آن راه ندارد، و دیوارهای آن کاملاً سیاه می‌باشد. ضمناً انتقال بی‌وقفی از یک گونه اطلاعاتی از خارج دسترس نداشتن در نتیجه جلادان می‌توانند آنها را از نظر اطلاعاتی و حسی کاملاً منزوی سازند تا پس از گذشت چند ماه آنان را دچار اختلالات عصبی و روانی سازند.

سوء استفاده از مواد مخدر و مواد شیمیایی و داروشیمی چون L.S.D، هروئین و آم‌فتامین Amphetamin بخصوص از نوع ایمائو I.M.A.O. افرادی را که تحت شکنجه از پای درآمدند دچار حالت فوق‌العاده منقلب و اضطراب بی‌حد می‌سازد. با ترکیب موادی چون تافرامل Taphramyl که عکس‌العمل معکوس مواد شیمیایی فوق‌الذکر را در فرد ایجاد می‌کند، حالتی در این افراد بوجود می‌آورد که احساس گناه کنند و دائماً به خود اتهامات نامربوط بزنند!

دکتر خیرالدین در پایان اضافه می‌کند: "بدین ترتیب این امکان حاصل می‌شود که از طریق تلقین این مبارزان را که تحت تأثیر شکنجه‌های جسمی، روانی و داروشیمی دچار اختلالات عصبی و روانی شده‌اند مسخ کنند و

"اقراریه" از آنان کسب کند. ضمناً دستگاه‌های جاسوسی امپریالیستی - "سیا"، "موساد" و "ساواک" روز بروز شیوه‌های تلقین روانی جدیدتری برای سرکوب انقلابیون مردمی و ضد امپریالیست کشف می‌کنند و به اجرا می‌گذارند."

یک گزارش دیگر درباره نحوه تأثیر داروهای نوروپلتیک، که در شکنجه‌های "مقامات امنیتی" "سیا" و "ساواک" به کار برده شده است.

این گزارش را یک پزشک متخصص - "راه توده" ارسال کرده است:

اینک با توجه به اطلاعات همه جانبه موجود، نتیجه تحقیقات خود را درباره شکنجه روانی زندانیان توده‌ای و به‌آذین در اختیار شما می‌گذارم. بگذار دنیا از عمق فاجعه‌های کسه انقلاب ما و روشنفکران طراز اول ما را تهدید می‌کند، واقف گردد.

این شکنجه‌روشی است بر پایه رفلکس شرطی یا لوف و پدیده هیپنوز (Hypnose). زندانی را روزها در سلولی بی‌منفذ بدون کوچکترین محرک (Stimulus) خارجی چون نور و صدا نگاه می‌دارند. بعد از چند روز، زندانی به حالت تیرگی شعور (Mentale Confusion) می‌افتد. سپس داروهای نوروپلتیک (Neuroleptique) یا یکی از مشتقات (Benzodiazepine) - ساو تزریق می‌کنند هشیاری زندانی (Vigilence) را به کمترین سطح ممکن می‌رسانند. سپس در ساعات‌های مشخص زندانی را بیدار می‌کنند و جملاتی را که میخواهند تکرار شود با او دیکته می‌کنند. بعد از مدتی مقاومت زندانی از شدت خستگی و میل شدید به خواب‌خرفها را تکرار می‌کند تا بتواند بعد از اجازه خوابیدن داشته باشد. زندانی در هنگام تکرار اجاب دیکته شده کاملاً آگاهی خود را نسبت بآنچه می‌گوید از دست می‌دهد فقط بعداً بعضی از قسمتهای آنرا (در صورت خاتمه شکنجه) به صورت بریده بخاطر می‌آورد.

شکنجه‌گر از شکنجه فیزیکی نیز به عنوان عامل مکمل استفاده می‌کند. در جریان این "آزمایش" زندانی لاغر میشود، چهره‌اش کرخت و سرگشته بنظر می‌آید، نگاهش بی‌فروغ و مبہوت میگردد. جملاتش ابتدا بریده بریده است که این را نیز می‌توان بعد از "تمرین" های زیاد کم و بیش اصلاح کرد.

گفته میشود که این متد را اربابان زنی‌سال فردوست در آمریکا روی بعضی از زندانیان بقیه در صفحه ۱۵

روزنامه مورنینگ استاز: رهبران ایران به سرکوب روی می آورند

بقلم بیل دن مسئول کمیته ایالتی حزب کمونیست بریتانیا در لندن.
سی سال از چهل و دو سال هستی حزب توده ایران در مبارزه برای استقلال ملی و سوسیالیسم در ایران غیر قانونی سپری گشته و رهبران و اعضاء آن تحت پیگرد، بید هاند.
اکنون باردیگر این حزب را غیر قانونی کرده اند. رهبران آن دستگیر شده و بیدون محاکمه سه ماه است در زیر شکنجه در زندان های منفرد زجر می کنند.
مقامات ایرانی اکنون ادعا می کنند که از دهان رهبران حزب توده "ایران آقاری" مبنی بر ارتکاب به جاسوسی و توطئه بیرون کشیده هاند.

رهبری اسلامی ایران هم اکنون در موقعیت حساسی قرار دارد. این رهبری که برای سرنگونی شاه و طرفدارانش توانست پیشاهنگ بسیج همه مردم باشد، اینک باید فلسفه و سیاست خود را به آزمون گذارد؛ آیا این فلسفه و سیاست منافع مردم را به پیش خواهد برد، یا معنی آن عقب نشینی در برابر تضادهای و فشارهای شدید درون جامعه ایران خواهد بود؟

در داخل ایران قوانین جدید دموکراتیک و موشی منجمله رفرم ارضی، مبارزه علیه مالکین بزرگ زمین، که از درون انقلاب ایران فوران کرد، به اجرا در نیامده اند. کنترل دولت بر بزرگان خارجی حاصل نشده است. انتقال سرمایه از ایران همراه با باز پس دادن زمین های مصادو شده بعد از انقلاب به صاحبان قبلی آن ادامه دارد.

دولت جمهوری اسلامی قرارداد های اقتصادی و نظامی با پاکستان امضا کرده است. این دولت در کار گسترش معاملات خود با ترکیه در سطحی بسیار بالاتر از زمان شاه می باشد.
جنگ تلخ و خونین که بدنیال هجوم عراق در سال ۱۹۸۰ آغاز شد با از دست رفتن جان هزاران کارگر و دهقان از هر دو طرف، و بندون جستجویی به جا، برای یک راه برون رفت صلح آمیز و شرافتمندانه ادامه دارد.

برای ایالات متحده آمریکا دوباره واداشتن ایران در یک موضع آشکار ضد شوروی جایزه کلانی است.

براندازی شاه برای امپریالیست ها یک ضربه جدی بود، اما سرمایه داران و تجار هرگز امتیازات و منافع خود را به آسانی از دست نمی دهند. در واقع آنها برای به عقب راندن نیروهای مردمی سوسیالیستی درون ایران، بنهر طریق به مبارزه برخاستند.

انقلاب ایران، بعد از یک مبارزه تلخ جهت رشد جامعه و اقتصاد، بخاطر قعدان درونگری

رهبران آن اکنون متوقف شده است. این رهبری اسلامی بخاطر گوش فرا دادن به سرمایه داران و تجار، از روی آوری به توده های زحمتکش عاجز ماند.

قعر جمعی، بیکاری و جنگ با عراق تمام بخش از فشارهایی بودند که سیر انقلابی را در جهت معکوس سوق دادند. اکنون روشن گردیده است که راستگرایان در واداشتن مقامات در مجموع به این باور، که اگر حزب توده ایران برای فعالیت آزاد گذارده می

سابق شاه، ساواک، مسئول برای مقابله با حزب توده ایران و نیروهای چپ در زمان شاه، دست نخورده باقی ماند و بوسیله راستگرایان در جمهوری اسلامی مورد استفاده قرار گرفت.

با استفاده از اطلاعات گروه های ضد انقلابی در ایالات متحده آمریکا و بریتانیا، این نیروها ماه های آخر سال ۱۹۸۲ را صرف تدارک پرونده سازی برای حزب توده ایران و رهبران آن کردند. این موضوع برای مردم ایران یک فاجعه و مصیبت است هر چند ابعاد وسیعتری



شده، قادر می بود تا توده مردم را - یعنی همان نیرویی که در درجه اول، انقلاب را میسر ساخت - بسیج کند، موفقیت بدست آورد هاند.

آنها سیاست سرکوبگرانه شاه در مورد این حزب را، به جای مبارزه با رشد سرمایه داری در جامعه ایران، انتخاب کردند.

در تمام طول این مدت، سرویس های بی بی سی و صدای آمریکا در تلاش برای لوٹ کردن حزب توده ایران سعی وافر میذود داشتند. خیرگزاری های غربی به ویژه از پناهندگی یک جاسوس انگلیسی بنام ولادیمیر کورچکین که در کنسولگری شوروی در تهران کار می کرد، بسیار به خود می بالیدند. ایسین جاسوس انگلیسی مدعی شد که حزب توده ایران برای اتحاد شوروی جاسوسی می کرد و وزارت خارجه انگلیس و ام آی سی (بخشی از اینتلیجنت سرویس) با اشتیاق فراوان این موضوع را به راستگرایان مسئول در پلیس واداره زندان در جمهوری اسلامی اطلاع دادند.

در خود ایران مشاور اصلی امنیتی شاه، ژنرال فرد وست، در میان مقامات اسلامی جدید سرد آورد بخش شکنجه گران پلیس مخفی

نیز دارد. دستگاه دولتی ریگان در یک تلاش عظیم با ابعاد جهانی برای منزوی کردن کشورهای سوسیالیستی و شکست دادن جنبش صلح - که جهان را فرا گرفته است، می باشد. نتیجتاً شاه اخراج دیپلمات های شوروی در سوئیس، فرانسه، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و اکنون طی هفته گذشته در ایران بدم.

طی هفت ماه گذشته ما مواجه با دخالت های عمده ایالات متحده آمریکا در خاور نزدیک در اطراف لبنان بوده ایم و این دخالت ها بدون شك در مناطق دیگری نیز که آمریکا خواهان اعمال نفوذ خود می باشد، بوقوع می پیوندد. بی ثبات ساختن عمده در خاور نرت دیک، به ویژه در زمانیکه جمهوری اسلامی ایران در عمل در حال نزدیک و نزدیک تر شدن به مواضع امپریالیسم غرب قرار دارد، بوجود آمده است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن اعتراض همواره بی گناهی کامل رهبران، اعضا و همواداران خود را در مقابل اتهامات بقیه در صفحه ۱۶

محافل بین المللی و افکار عمومی جهانی نمایش شوم علیه حزب توده ایران را محکوم می کنند

بقیه از صفحه ۱۰

"میهن پرستان ایرانی را نجات دهیم!" ما نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس جهانی که از طرف دیکتاتوری فاشیستی در آلمان مورد پیگرد قرار داشته اند، بعنوان مبارزین جبهه مقاومت و علیه فاشیسم نو نگرانی شدید خود را در رابطه با اخباری که از ایران می رسد، ابراز می داریم. ما وقایع انقلاب مردمی ایران را که منجر به سقوط رژیم دیکتاتوری شاه گردید، با علاقه وافر دنبال کردیم - متأسفانه از چندی پیش با منظره شاهد جریاناتی هستیم که آشکارا به از دست رفتن دستاوردهای انقلاب منجر خواهد شد.

در حال حاضر ما شاهد پیگرد رهبران و اعضا حزب توده ایران و از جمله نورالدین کیانوری دبیر اول حزب توده ایران می باشیم. بسیاری از این مبارزین در دوران دیکتاتوری شاه به زندان افکنده شده و برخی از آنان حتی ۲۵ سال در زندان بسر برده اند. و حال دوباره در همان ششجنازه ها زیر نظر مأمورین ساواک شاه زجر و عذاب می بینند. ما خواستار آزادی فوری کلیه اعضا دیکتاتور شده حزب توده ایران، آزادی فعالیت این حزب و خواهان اجاره غریب کمیسونی بین المللی مرتباً در برستان برانشا - سان، حقوقدانان و سیدنیالینسبا به ایران هستیم. ما همیشگی تا مرز حیدر از زندانیان توده اعلام می داریم.

هیچ انقلاب مردمی نمیتواند با کمونیسم و شوروی ستیزی پیروز گردد

اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی، صادره توسط دبیر اول حزب دکتر یوسف محمد دادو، بتاريخ ۱۱ مه ۱۹۸۳

کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی به غیر قانونی کردن حزب توده ایران و دستگیری تعدادی از اعضای رهبری آن منجمله دبیر اول کمیته مرکزی حزب، نورالدین کیانوری، بر اساس اتهام ساختگی "جاسوسی برای شوروی" شدیداً اعتراض می نماید.

کسب "اعترافات" از این مبارزین، بنا استفاده از شیوه های غیر انسانی و وحشیانه شکنجه، ممکن بوده است. سرکوب حزب طبقه کارگر ایران و تعقیب اعضای آن، نه تنها خطر عظیمی برای جان این افراد، بلکه برای آینده انقلاب ایران می باشد. در ایران نه تنها کمونیستها، بلکه تعداد زیادی از دموکراتها و شخصیت های مترقی، قربانی تلاش نیروهای ارتجاعی - دست راستی برای بدست گرفتن کنترل انقلاب ایران و انحراف آن از سیر خلقی و واقعی آن

گفته اند.

هیچ حزبی سابقه ای پرافتخار تر از حزب توده ایران در مبارزه برای آزادی ایران از بیوع امپریالیسم و سلطه خارجی و تلاش برای پیروزی آزادی از شر ملت توسط کسانی که با کار خود آن را تولید می کنند، ندارد. کمونیست های ایران طی چهار دهه، بدون چشمداشتی در مبارزه بخاطر آزادی، جان باخته اند. آنها نقش برجسته ای در کمک به تجهیز مردم زحمتکش ایران در دوران تدارک انقلابی که منجر به سرنگونی شاه و رژیم استبداد در سال ۱۹۷۹ شد و در بیرون راندن نیروهای امپریالیستی و پیروزمند امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلش که سالهای طولانی حقوق مردم را پایمال کرده بودند، ایفا نمودند. پس از سرنگونی رژیم شاه، حزب توده ایران صادقانه خود را وقف مبارزه برای تثبیت و تحکیم انقلاب و شکست توطئه های ضد انقلابی، که قصد بازگرداندن ایران به جرگه کشورهای ارتجاعی متحد امپریالیسم را داشتند، نمود. سیاست های ضد کمونیستی و ضد شوروی که اکنون در ایران دنبال میشوند، فقط میتواند اتحاد مردم را تضعیف نموده و بالعکس باعث تقویت نیروهای ضد انقلابی و شغف آمریکا، که آشکارا نیروهای

خود و متحدانش را به منظور کنترل منابع خاور میانه، مستقر می سازد، میگرد.

هیچ انقلاب مردمی نمیتواند با کمونیسم و شوروی ستیزی که بنا بر تجربه تاریخی، ارتجاع سرمایه داری است، به پیروزی برسد. حزب کمونیست آفریقای جنوبی خواستار رفع ممنوعیت فوری از حزب توده ایران و آزادی رهبران و سایر زندانیان توده ای است، تا آنها بتوانند مبارزه خود، بمنظور تقویت نیروهای انقلابی و پیروزی انقلاب ایران، ادامه دهند.

سرکوب حزب توده ایران، سرآغاز خفه کردن انقلاب است

در چارچوب کارزار همبستگی با رفقای رهبری حزب توده ایران و اعمال فشار به حزب، یک هیئت نمایندگی از سوی حزب کمونیست سوریه به ریاست ظهیر عبد الصمد، عضو دفتر سیاسی، به منظور ابراز نگرانی از سرکوب حزب مبارزین در بند، حزب توده ایران و خواست آزادی آنان، به سفارت جمهوری ایران رفته در صفحه ۸

به همه احزاب و سازمانهای برادرو مترقی و شخصیت های سیاسی و علمی و فرهنگی که از حزب توده ایران حمایت کرده اند

احزاب برادریا حقی برابری، به پاسداری از حقوق ملی مردم میهن خود و در دفاع از چریانات به گانه انقلاب جهانی استوار ایستاده است و از پشتیبانی آنها برخوردار است، به تاریخ خود می بالد.

همین همبستگی بین المللی حزب قهرمان ماست که خار چشم دشمنان استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی میهن ما گردیده و به تمام جاسوسی و توطئه براندازی جمهوری اسلامی و غیره نایده میشود.

ما بار دیگر بنام همه اعضا و هواداران حزب توده ایران از این پشتیبانی وسیع و نیرومند شما ضمیمانه سپاسگزاریم و طبیعتی است که تداوم و تشدید این پشتیبانی و همبستگی در چنین ایامی، سهم گرانبهائی است که شما در پشتیبانی از مردم میهن ما و حزب ما در مبارزه استقلال طلبانه و آزاد یخواهانه آنها ادا می کنید.

با درود های برادرانسه کمیته برون مرزی حزب توده ایران ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۲

رقا و دوستان گرامی

پشتیبانی شما از حزب ما در یکی از دشوارترین مراحل تاریخ پرافتخار ما، در ایامی که دشمنان داخلی و خارجی انقلاب مردم میهن ما با غدارترین و در عین حال رسوا ترین شیوه های پلیسی حمله سرتاسگری خود را علیه حزب ما، انقلاب و میهن ما آغاز کرده اند، گواه سنت استوار زنده و نیروبخش همبستگی نیروهای سوسیالیسم، دموکراسی و ترقی اجتماعی است.

شکجه گران در سنگاه امنیتی ایران، عده ای از رفق و همزمان ما را زیر وحشیانه ترین شکنجه های قرون وسطائی در هم شکسته و به "اعترافات" که بهیچوجه نه اصلتی دارد و نه حقیقتی، از قبیل جاسوسی، اختفای اسلحه برای براندازی جمهوری اسلامی و غیره و غیره واداشته اند. شما از تجربه مبارزات خود و از مبارزات خلقها و احزاب مترقی در راه استقلال و آزادی نمونه های فراوانی از این شیوه های ناجوانمردانه مبارزه امپریالیسم و دشمنان خلقها علیه خلقها و احزاب برادر می شناسید. حزب توده ایران از اینکه در خانواده

محافل بین المللی و افکار عمومی جهانی نمایش شوم علیه حزب توده ایران را محکوم می کنند

بقیه از صفحه ۷

در دمشق مراجعه نمود .

هیئت فوق پس از تبادل نظر درباره وضع فعلی در منطقه و ایران ، پیامی خطاب به ریاست جمهوری اسلامی ایران ، تسلیم مقامات سفارت نمود . در این پیام از جمله آمده است : " حزب کمونیست سوریه و نیز سایر دیکتاتورهای این کشور ، نگرانی خود را در مورد خطری که جان مبارزین زندانی توده ای را تهدید می کند ، ابراز می دارند . اعتبار جمهوری اسلامی و سرنوشت انقلاب ایران نیز با این عمل در خطر است .

انتهاهایی که به این مبارزین نسبت داده شده است ، یعنی " جاسوسی " و " جعل اسناد " ، متعلق به فرهنگ محافظان امپریالیستی و ارتجاعی بوده و سرکوب حزب توده ایران که همواره پیگیرانه از اهداف بنیادی انقلاب دفاع کرده است ، سرآغاز خفیه کردن انقلاب می باشد و به منافع واقعی مردم ایران لطمه وارد می سازد . این اقدامات در سیاست خارجی ، قصد خدشه وارد ساختن به روابط ایران با کشور اتحاد شوروی ، که سیاستش بر اساس اصول خدشه ناپذیر احترام به حقوق خلقها و استقلال کشورها می باشد ، را دارد و باعث خشنودی امپریالیسم آمریکا ، صهیونیست ها و ایادی آنان در جهان بوده و به اعتبار انقلاب ایران در انظار جهانیان لطمه وارد می سازد .

۷۰ تن از اعضای پارلمان هند و ستان خواستار آزادی اعضا و رهبران حزب توده ایران شدند

۷۰ تن از اعضای پارلمان هند و ستان از طرف احزاب عمده آن کشور ، تعقیب و سرکوب حزب توده ایران را محکوم کرده و خواستار آزادی اعضا و رهبران آن حزب شدند . آنها به مبارزه پیگیرانه حزب توده ایران برضد رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا ، و به نقش پیشگام آن در مبارزه مردم ایران اشاره نموده ، اظهار داشتند که فشار و تضيیقات در مورد رهبران آن حزب وحدت خلق را تضعیف کرده ، به سبب نیروهای سرسپرده آمریکا و امپریالیسم می باشد .

مراکش

در بیانیه کمیته مرکزی حزب ترقی و بنوسیا - لیست مغرب که در ریاض منتشر شده آمده است : حزب ترقی و سوسیالیست مغرب جداً طلب میکند ، به اقدامات تضيیقی که مقامات ایران

علیه حزب توده ایران آغاز کرده اند ، پایان داده شود ، و زندانیان بایستی بلادرنگ آزاد گردند .

در بیانیه مید شده است که :

طرز رفتار مقامات رسمی با فعالان دریند حزب توده ایران ، شکنجه ها و وحشیانه قرون وسطایی را بخاطر می آورد .

در این بیانیه خاطر نشان میشوید :

این نوع اعمال فحش و فقط به نفسخ امپریالیسم در منطقه است .

بدنبال شکنجه های جسمی و روانی خان رهبران حزب توده ایران در معرض خطر مرگ قرار دارد

روزنامه اوپانیت ، ارگان حزب کمونیست فرانسه در تاریخ ۵ ماه مه بیانیه ماکسیم گرمتر دبیر کمیته مرکزی و مسئول بخش روابط خارجی حزب کمونیست را با تیتل درشت " برای نجات جان نورالدین کیانسوری دبیر اول حزب توده ایران ! برای آزادی همه دیکتاتورهای ایرانی ! " بجاپ رسانیده است . بیانیه بدین مضمون است :

" اختیار واصله از ایران ، نگرانی و تأثر مردم فرانسه را برانگیخته است . حزب توده ایران در پی دستگیری رهبران عمده آن ، منحل گردیده . حوادث اخیر ایران ، خشم و انزجار همه کسانی را که همانند کمونیستهای فرانسوی ، از جنبش وسیع مردم این کشور برای سرنگونی شاه حمایت کردند ، برانگیخته است .

چنین اعمال غیر قابل توجیهی ، علیه منافع مردم ایران و مطالبات آزادخواهان و استقلال طلبانه آنان می باشد .

بدنبال تحمل شکنجه های جسمی و روانی ، جان دبیر اول و سایر رهبران و اعضا حزب توده ایران در سیاهچالهای جمهوری اسلامی در معرض خطر مرگ قرار دارد . دربرابر چنین تهدیدی ، طرفداران آزادی و عدالت و احترام به حقوق بشر نمیتوانند سکوت اختیار کنند و غریب آنان در طلب نجات جان این مبارزین هر روز بیشتر اوج می گیرد .

فدراسیون حزب کمونیست فرانسه در لسواری واحد حزب در ویل ژوئیف ، طی ارسال نامه های اعتراضی به سفارت جمهوری اسلامی ایران فرانسه ، خواستار رفع تضيیق و شکنجه در مورد رهبران و اعضا حزب توده ایران و آزادی فوری آنان گردیده اند .

۱۷ سازمان دانشجویی ، سازمان جوانان و حزب کمونیست در تولوز (فرانسه) طی ارسال

اعتراضیهای به مجلس شورای اسلامی ایران ، به اعمال تضيیق و فشار علیه حزب توده ایران و رهبران و اعضای آن که در بازداشتگاه های بی نام و نشان بسر می برند ، به بررسی اوضاع کمونی و چرخش براسست حاکمیت ایران پرداخته و خواستار آزادی فوری مبارزین در بند گردیده اند .

اسامی این سازمانها بدینقرار است :

- اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه ● اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی ● اتحادیه ملی جوانان الجزایر ● جنبش ملی لبنان ● اتحادیه ملی دانشجویان مراکش ● انجمن دانشجویان یونانی ● اتحادیه جوانان بیتنامی ● انجمن دانشجویان ایتالیایی ● دانشجویان مریتانایسی ● اتحادیه جوانان دیکرات سنگال ● دانشجویان دیکرات مراکش ● حزب استقلال و کسار سنگال ● حزب کمونیست لبنان ● حزب کمونیست یونان ● حزب کمونیست تونس ● حزب ترقی و سوسیالیسم مراکش ● حزب سوسیالیست پیشرو الجزایر

سندیکای کارگری ژرژ ژت شکنجه های وحشیانه رهبران حزب توده ایران را محکوم نمود

۲۵ تن از اعضا سندیکای حزب کمونیست فرانسه (ژرژ ژت) وزارت پست و تلگراف و تلفن پاریس ، طی ارسال نامه ای به سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس ، بازداشت و شکنجه های وحشیانه رهبران حزب توده ایران را شدیداً محکوم نموده و اعتراف خود را مبنی بر خیبر انحلال حزب از جانب دولت ایران ، اعلام میدارند . آنها در این نامه ، ضمن برشمردن تاریخچه مبارزاتی حزب توده ایران و رهبران و اعضا در بند آن ، آزادی این مبارزین و از سرگرفتن فعالیت قانونی حزب را خواستار شده اند .

شعبه های مختلف حزب کمونیست فرانسه ، دستگیری و شکنجه رهبران و اعضا و انحلال حزب توده ایران از طرف مقامات دولتی جمهوری اسلامی ایران را محکوم کرده و ضمن مردود شناختن شیوه های کذافی " اقرارگیری از رهبران حزب ، خواستار آزادی زندانیان توده ای و رفع تضيیقات از حزب گردیده اند .

" انجمن مسیحیان برای الغاء شکنجه " در تولوز (ACAT) طی ارسال نامه هایی به مقامات جمهوری اسلامی ایران ، نگرانی عمیق خود بقیه در صفحه ۹

محافل بین المللی و افکار عمومی جهانی نمایش شوم علیه حزب توده ایران را محکوم می کنند

بقیه از صفحه ۸

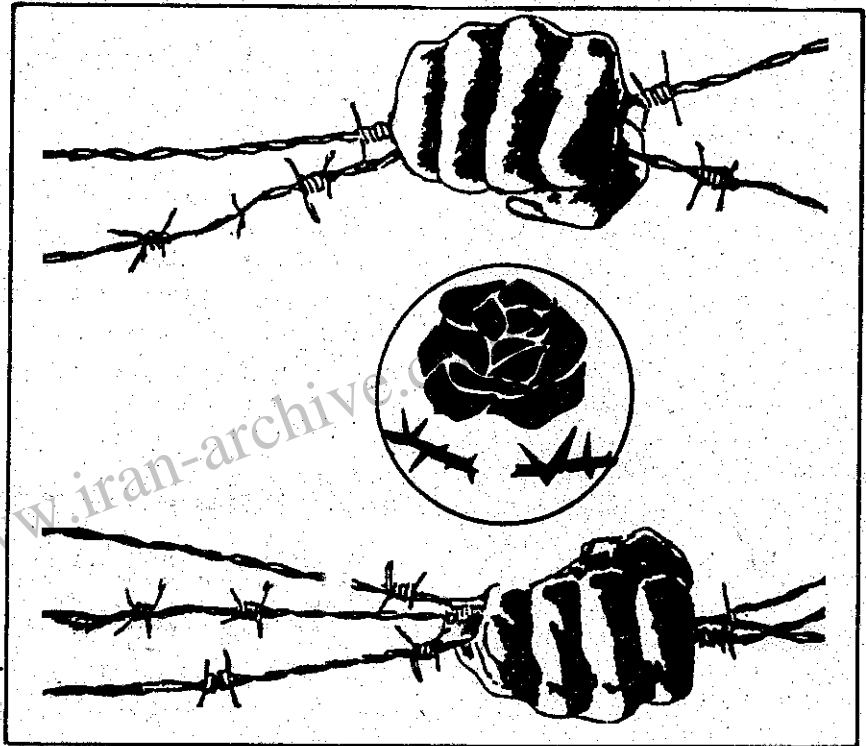
در بریتانیا نیز در مورد اوضاع کنونی ایران و کارزار گسترده ضد کمونیستی بسرگردگی آمریکا علیه اتحاد شوروی و نیروهای سوسیالیستی در سراسر جهان، سخنانی ایراد کرد. وی ضمن مقایسه کارزار ضد کمونیستی در ایران با کشورهای آمریکای لاتین و یونان سرهنگها، خاطر نشان ساخت که حمله به حزب توده، ایران نشانه هند به بن بست رسیدن مقامات ایرانی در حل مسائل اقتصادی - اجتماعی جامعه، بنبط زحمتکشان است.

در پایان جلسه قطعنامه‌ای با تفاق آرا، به تصویب رسید که در آن تلاشها و توطئه‌های نیروهای ارتجاعی و حمله به حزب توده ایران و "اعتراف" گیری از رهبران حزب توده ایران در زیر شدیدترین و مدبرانه‌ترین شکنجه‌های جسمی و روانی، قویا محکوم گردیده و خواسته شده است که یک هیئت بین‌المللی، مرکب از حقوقدانان و متخصصین وارد در امور شکنجه جهت بازید از زندانیان، به ایران اعزام گردد. قطعنامه، در خاتمه، کلیه نیروها و سازمانهای مترقی و دمکراتیک بریتانیا و جهان را دعوت به تلاش برای نجات رهبران حزب توده ایران می‌نماید.

موج همبستگی نیروهای مترقی با حزب توده ایران در آمریکا

موج همبستگی نیروهای مترقی، با زندانیان در بند توده‌های ابعاد وسیعی کسب کرده است. سازمانها و احزاب دمکرات، شخصیت‌های مترقی و برجسته ترین رهبران جنبش کارگری مشمل لویی واین ستاک، "بیا امضا" طومارها و قطعنامه - ها، در این زمینه، صدای اعتراض بشر در استان ایالت کالیفرنیا را بر علیه شکنجه و آزار ایمن مبارزین در بیدادگاههای شه ساخته - جمهوری اسلامی ایران - بلند کرده اند. از جمله احزابی که با حزب توده، ایران و رفقای زندانی ما ابراز همبستگی نمودند، حزب کمونیست و سازمان جوانان کمونیست و شورای صلح آمریکا، شعبه "لوس آنجلس"، ائتلاف برای صلح در خاورمیانه، اتحادیه "دانشجویان عراقی در آمریکا و کانادا"، اتحادیه "دمکراتیک جوانان عربستان سعودی و هواداران جنبه" "دمکراتیک برای آزادی فلسطین در آمریکا" شعبه "لوس آنجلس"، جنبش توده‌های برای همبستگی با خلق السالوادور، کمیته همبستگی با خلق گواتمالا، خانه "نیکاراگوئه در لوس آنجلس" و کنگره ملی آفریقا، شعبه "لوس آنجلس" می‌باشند. بقیه در صفحه ۱۰.

در جلسه ۷ ماه مه خود، قطعنامه‌ای علیه شکنجه‌های وارده به اعضا رهبری حزب توده ایران با تفاق آرا، بتصویب رسانیده و ضمن آن از کلیه نهادها و سازمانهای دمکراتیک در بریتانیا و در سراسر جهان خواسته است تا برای نجات جان این مبارزین از خطر مرگ و اعدام، اقدام کنند. بخشهایی از قطعنامه در مطبوعات بریتانیا درج شده است. این کمیته همچنین روز سه شنبه ۱۷ ماه مه



جلسه‌ای با کمک شورای تعاونی‌های بریتانیا به ریاست دبیر حزب کمونیست بریتانیا در لندن تشکیل داد. در این جلسه، رئیس کمیته دفاع از انقلاب ایران در لندن، قطعنامه ۷ ماه مه را با اطلاع حضار رسانیده. پس از سخنرانی دبیر حزب کمونیست بریتانیا، که طی آن وی از کلیه سازمانها و اتحادیه‌های کارگری و مترقی خواست که به دفاع از حزب توده، ایران و مبارزین در بند برخیزند، نماینده حزب کمونیست عراق سخنانی پیرامون اوضاع کنونی ایران ایراد و پس از اشاره به تاریخچه "حزب توده، ایران" طی ۴۱ سال مبارزه علیه دیکتاتوری و استعمار، به بررسی اتهامات وارده به مبارزین در بند و اینکه چگونه ارتجاع همواره با چنین دستاویز - هائی، کمونیستها را بچوخته اعدام سپرده است، پرداخت و در این رابطه به شکنجه‌های وحشیانه و مرگ کلام عازل دبیر اول حزب کمونیست عراق و اعدام خسرو روزبه اشاره نمود. در این جلسه دبیر کمیته سیاسی شورای تعاونی‌های لندن و معاون شورای جهانی صلح

رهبران حزب توده، ایران که از تلویزیون پخش شده، اظهار داشته است که استفاده از مواد شیمیایی و مخدر، شیوه‌ای که منجر به از دست دادن حافظه، شکنجه شوندگان و تکرار مطالب دیکته شده از جانب آنان می‌گردد، در رژیمهای فاشیستی متداول است و در این زمینه به نمونه‌هایی از اروپا و آفریقا جنوبی اشاره می‌نماید.

سباحت کارزار ضد کمونیستی در ایران آمریکای لاتین و یونان سرهنگها

لندن - کمیته دفاع از انقلاب ایران که بابتکار اعضا و هواداران حزب توده، ایران در انگلستان و با شرکت شخصیت‌های دمکرات و مترقی از سراسر بریتانیا تشکیل شده است،

محافل بین المللی و افکار عمومی جهانی نمایش شوم علیه حزب توده ایران را محکوم می کنند

بقیه از صفحه ۹

"انجمن دوستان آمریکایی ایران انقلابی" (AFRI)، طی اطلاعیه مطبوعاتی که برای مطبوعات سراسر آمریکا ارسال گردیده و بخشی از آن در شماره ۱۴ ماه مه روزنامه "دیلی ورلد" ارگان حزب کمونیست آمریکا به چاپ رسیده، از کلیه نیروهای صلحدوست و آزاد یخواه آمریکا خواسته است که از طریق ارسال نامه یا تلگراف به هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد و یا به دفتر حفاظت منافع ایران در سفارت الجزایر، مراتب اعتراض خود را به دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران بنظر "اقرار" گیری ابراز دارند. انجمن در این اطلاعیه خواستار اعزام هیئتی مرکب از حقوقدانان و پزشکان متخصص بایران جهت بازدید از زندانیان و نیز امکان شرکت هیئت ناظر و بی طرفی در جلسات محاکمه رهبران حزب گردیده و در پایان خواستار رفع فوری تضيیقات علیه حزب توده ایران و آزادی بی درنگ زندانیان توده ای گردیده است.

در این اطلاعیه همچنین پس از اشاره به مبارزات حزب در دوران حکومت دیکتاتوری شاه و نقشی که در جریان انقلاب در ایران بعهده داشته است، چنین آمده:

"اعمال فشار بر علیه حزب توده ایران و دستگیری و شکنجه و آزار رهبران و اعضا آن، بدست نیروهای راستگرایی انجام میگردد که اکنون در ایران قدرت میگیرند. در این رابطه بقایای مأمورین ساواک بویژه بخشی که در زمان شاه، مأموریت فعالیت بر علیه حزب را بعهده داشت، با کمک مأمورین سیا و اینتلیجنت سرویس اجرا کنندگان این برنامه ضد بشری بوده اند.

دفاع از حزب توده ایران و اعضا در بند آن، در واقع دفاع از انقلاب ایران و در ضمن دفاع از مردم آمریکا نیز هست، زیرا انسان بهیچوجه نمیخواهد که منطقه خلیج فارس به صحنه یک تصادم بین المللی و در نتیجه بروز جنگ هسته ای بدل شود. اطلاعات حاصله در مورد طرحهای دفاعی پنتاگون و استراتژی نیروهای واکنش سریع، همه حاکی از آن است که اجرای چنین سناریوی خطرناکی که امکان تحقق بسیار دارد و چنانچه مسیر بازگشت انقلاب در ایران، توسط نیروهای راستگرا ادامه و تحکیم یابد به احتمال زیاد، محافل ارتجاعی ایران، این کشور را مجدداً به پایگاه نظامی آمریکا و سکوی سلاحهای اتمی علیه اتحاد شوروی بدل خواهند ساخت."

روزنامه "دیلی ورلد" ارگان حزب کمونیست آمریکا، در شماره ۱۳ ماه مه خود، طی مقاله ای، از نیروهای آزاد یخواه و مترقی کشور خواست که به دفاع از رهبران حزب توده ایران بپردازند. در بخشی از مقاله چنین آمده است:

"شیکاکو مردم این شهر بنظر دفاع از رهبران و اعضا حزب توده ایران که در زندانهای جمهوری اسلامی بسر میبرند، اقدام به تشکیل کمیته نموده و سه جمع آوری کمک مالی پرداخته اند. این کمیته تحت عنوان "ضد وق دفاع از هواداران در بند انقلاب ایران" قصد دارد هیئتی مرکب از پزشکان متخصص و حقوق دانان، بنظر بازدید زندانیان توده ای بفرستد. این هیئت می باشد.

کمیته، بیانیه ای نیز در این زمینه منتشر کرده است که شخصیت های سرشناسی همچنان آنجلو دیویس، جیم ساولین و دبیر اجرایی سازمان دوستان آمریکایی ایران انقلابی (AFRI) و پرفسور "یان کرو" و کلاسی چون "جان است" و "ستانلی فالکسر" از جمله امضا کنندگان آن می باشند.

سرکوب حزب توده ایران، دیدار وزیر بازرگانی با نمایندگان آمریکا

موند و اووروارگان حزب کمونیست اسپانیا در تاریخ ۱۲ ماه مه، مقاله ای در مورد صحنه "اعترافات" در بیر اول حزب توده ایران و جعلی بودن این "اعترافات"، شکنجه های وارده بوی و هم زبانانش و اعلامیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در این زمینه و مسئله اعزام هیئت حقوقدانان و پزشکان به ایران، درج نموده و به بررسی اوضاع کنونی ایران پرداخته است. در این رابطه سپس می خوانیم:

"انحلال حزب توده ایران و شکار کمونیستها بوسیله دولت، و همزمان با آن اخراج دیپلماتهای شوروی از ایران، بخشی از توطئه گسترده ضد انقلاب و آمریکا علیه انقلاب ایران بوده و حزب توده ایران اولین قربانی پیروزی نیروهای مذهبی بازاری (بهرزروی) و در کل جناح راست در ایران است. این حملات راستگرایان، همزمان با اقدامات آنان در زمینه سیاست خارجی - از جمله دیدار عسکر اولادی وزیر بازرگانی با نمایندگان آمریکا

در الجزایر و تقویت رابطه سیاسی - اقتصادی با ترکیه - نشانه های از چرخش به راست در مجموعه سیاست دولت جمهوری اسلامی در ایران است."

اطریش

د فتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اطریش نسبت به انحلال حزب توده ایران از طرف مقامات رسمی جمهوری اسلامی، و بازداشت بسیاری از فعالان این حزب شدیداً اعتراض کرد.

در بیانیه منتشره خشم و انزجار نسبت به اعمال زجر و شکنجه هایی که با کمک آن مقامات ایران رهبران بازداشت شده حزب توده ایران را وادار میکنند که به فعالیت های ضد د ولتی "اعتراف" کنند، ابراز میشود. در این بیانیه حاضر نشان میگردد که حزب توده ایران طی سالهای زیادی به منظور عقیم گذاشتن دساتیر امپریالیسم در ایران و برای دفاع از استقلال ملی فعالانه مبارزه کرده و میبندد. در شرایط رژیم سلطنتی، وقتی که اعضای حزب توده ایران بظور وحشیانه مورد تعقیب و پیگرد قرار گرفته بودند، این حزب با متانت و بیکیراهی بخاطر عدالت اجتماعی و د مراسی مبارزه میکرد.

د فتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اطریش ضمن ابراز همیستگی با قربانیان تضییق و فشار، از مقامات رسمی ایران طلب کرد که تمام مبین پرستانی که در زندانهای ایران بسر میبرند، بایستی آزاد شوند.

به این قانون شکنی ها خاتمه دهید

گروه پارلمانی حزب کمونیست چپ سوئد از طریق سفارت جمهوری اسلامی ایران در استکهلم اعتراضهای خطاب به مقامات مسئول جمهوری ارسال داشته است که متن آن چنین است:

"ما به رفتار شما علیه حزب توده ایران و اعضا و رهبران آن شدیداً اعتراض می کنیم. دست بردن به این نوع توطئه ها و اعمال شکنجه، مسائل شما را حل نخواهد کرد. این زندانیان مبارز را آزاد ساخته و باین قانون شکنیها خاتمه دهید!"

رفقای حزب کمونیست عراق در استکهلم طی نامه ای اعتراضی که به سفارت جمهوری اسلامی در سوئد فرستاده اند، خواستار پایان دادن به

بقیه در صفحه ۱۵

زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

بدرود فاطمه

فاطمه دخترکی ۱۵ ساله بود. ننوشتفاند تا - تلین او حسین و رضا چند ساله اند. ولی از آنچه که روی داده میتوان حدس زد که صحبت بر سر د و جوان است. يك گل نوحاسته بدست د و جوان نادان برپیر شده است. چرا؟ آیا این جنایت برای جامعه ما تصادفی است یا مانند آئینه‌ای تمام نما چهره زشت عقده های جنسی دردناکی را که اینک بر کشور ما سایه افکنده است متعکس میکند؟

"حسین در بازجویی به ما موزان گفت: بعد از ظهر روز سه شنبه، من به اتفاق رضا، فاطمه را که از قبل می‌شناختم به قصد تجاوز به داخل خرابای واقع در انتهای شهر ری بردیم ابتدا با تهدید چاقو به او تجاوز کردیم. سپس با چاقو کردن او را بریدیم. وقتی فاطمه به قتل رسید، جنازه او را داخل چادری بیچیدیم و به داخل حوض انداختیم و چاقو را هم به داخل حوض انداختیم." (اطلاعات ۱۱ اسفند ۱۳۶۱)

تجاوز به عنف در سراسر دنیا و بیرون در کشور های سرمایه داری زیاد اتفاق می‌افتد. اما کشتن يك دختر یا زن پس از تجاوز مستلماً عادی و روزمره نیست. این دیگر از ویژه گیهای زندگی کنونی ماست. و متأسفانه در جمهوری اسلامی نه تنها دختر بچگان، بلکه پسر بچگان هم در معرض این خطر وحشتناک قرار دارند.

هر کسی چند سال اخیر در صفحات حواش و آگهی های روزنامه ها وقت کرده باشد متوجه شده است که هر روز صحبت از ناپدید شدن کودکان و نوجوانانی است که اکثراً ده تا پانزده ساله اند و پسران ناکهان سر به نیست میشوند و دیگر بخانه و کاشانه خود باز نمی‌گردند و پدر و مادری را برای همیشه گریان و تالان میکنند.

راستی چه خبر است؟ چرا در جمهوری اسلامی ایران اینهمه نوجوان و کودک - دختر و پسر ناپدید میشوند و این تراژدی پایان نمی‌یابد؟ بیایید صادقانه ببیندیشیم و علل آنرا پیدا کنیم.

در کشوری که شب و روز پیرامون لواط و زنا و انواع انحرافات جنسی در رادیو، تلویزیون، روزنامه ها و جلسات سخنرانی، بحث میشود و همه جا صحبت از تحریز، تازیانه زدن، سنگسار کردن و دیگر مجازات های شرعی است، چنین رویداد هایی شگفت انگیز بنظر نمی‌رسد. در کشوری که انواع و اقسام محدودیت های غیر لازم را به مردان و زنان تحمیل کرده اند، مردم را بخاطر گرفتن جشن عروسی در خانه های خود هم تهدید می‌کنند، با اختلاط زن و مرد حتی با حفظ عفت و پندام "اسلام" مخالفت و نیمی از جامعه را بطور مصنوعی از نیم دیگر جدا کرده اند، حاصلش جز دیوانگی جنسی و پیدا شدن همه گونه انحرافات و جنایات اجتماعی چیز دیگری نمی‌تواند باشد.

آنان که مرفماند و پول دارند، بیماری خود را با اعمال زشت پنهانی یا بظاهر شرعی درمان میکنند و کسانی که امکان ندارند، اگر عاقل بوده و قید و بند های اخلاقی و انسانی داشته باشند دچار عقده های درونی و بیماریهای روانی میشوند و اکثر مانند اکثریت انسانهای ساده و خاکی اسیر غرایز خود باشند و جوانان اجازه درک عواقب مدعش اعمال جنایتکارانه را ندهد، میکوشند قربانیان خود را برای همیشه خاموش کنند تا گرفتار عقوبت های وحشتناکی مانند سنگسار شدن نکرند. یکی را مانند فاطمه ناشیانه سر می‌برند و توی حوض می‌اندازند که پیدا میشود و دیگران را چنان سر به نیست میکنند که اثری از آنها پیدا نمیشود.

از همه بدتر اینکه فاطمه اگر هم مورد ترحم قاتلان نادان خود قرار میگرفت و رها میشد دیگر برایش زندگی معنی نداشت. زیرا در محیطی که "يك سانت" عقب رفتن حجاب را "حزب الله" تحمل نمی‌کند، دختری که با پای خود به خرابه رفته و بی ناموس شده، اگر سنگسار نشود، لاشه متحرکی است که باید برای تمام عمر قید تشکیل خانواده و زندگی آپرومندان را بزند.

بدرود فاطمه (تو با مرگ خود بازگوکننده زندگی ناپسندان نسل جوان ایرانی شدی. ما با اینکه تو را نمی‌شناختیم بخاطر مرگ زود رست، بخاطر سرنوشت تلخت و بخاطر زندگی غم انگیز کودکان و نوجوانان ایرانی سخت گریستیم.

يك استدلال عجيب!

می‌کنند، علت آنکه این اسامی، برای تحقق همین خواستهای آزادی و عدالت اجتماعی برای زحمتکشان و تا من استقلال کشور علیه رژیم شاه دهها سال تیرد کرده اند، گویا اکنون در زندانهای شاه ساخته جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه رسیده اند، که خواستار این اسامی ها در جمهوری اسلامی شدن دیگر "حقوق" نیست و لذا تسلیم شدند. این نحو به "استدلال" آنقدر شناخته شده و رنگ باخته است، که اسامیهای شریف باید سرم داشته باشند آنرا بکار برند، حتی برای نجات جان و موقعیت خود!

مردم به این "استدلال" ها و انواع دیگر ظریفتر و خشن تر آن باور ندارند، زیرا تا هرود رژیم شاه، کنگه گران ساواکی را شناخته اند و بل "مقام امنیتی" آشنائی کافی دارند! "مقام امنیتی" ای که اکنون با همان "ایزار کار" به اضافه متدهای لابراتوری و دارویی جدید دست به کار همان کار زشت، جنایتکارانه و هولناک خود هستند، که در رژیم شاه مشغول بودند! این استدلال را مردم با تجربه شخصی خود لمس و درک کرده بودند و با گوشت و پوست خسود می‌شناختند!



جنایت هولناک "مصاحبه" تلویزیونی، که در میهن ما به وقوع پیوسته است و برای اجرای آن شکنجه های قرون وسطایی و اضافات جدید "دارویی" آن، که از زرادخانه "سیاسی" و اینتلیجنت سرویس بیرون آمده است، بکار گرفته شده است، همانند تف سربالا بر صورت اجزای کندگان و مدافعان این جنایت بر می‌گردد.

مردم میهن ما با ابراز عدم اعتماد و ناپاوری به این شیوه "مصاحبه" و شناختی که از تدارک همه جانبه آن در زمان شاه دارند، با واکنش ناپاورانه خود به این نمایش، دست‌آنهائی را بلز کرده اند، که تصور می‌گردند با چنین "اقا بری" خیال خود را از جانب حزب توده، ایسران راحت خواهند کرد!

شکنجه گران "سیاسی" چهره گفتم و با نامو حامیان آنها در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران هر روز بیشتر به شکست این شیوه برسر نشان می‌پیوند و می‌گویند در صحبت ها و مصاحبه ها پشان، در سرمقاله روزنامه ها پشان به توجیه این نکته بپردازند، که چگونه انسانهای شریفی که تا سن پیری و زیر خطر اعدام و یا سالهای متعددی در زندانهای مخوف شاه، در مقابل آن رژیم جبار مقاومت کردند و شکنجه های آن را تحمل نمودند، اکنون پس از چند هفته که "میهمان این آقایان" بودند، پشت به تمام اعتقادات خود زدند؟!!

"استدلال" جنایتکاران و حامیان آنها در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، در واقع چیزی جز همان "استدلال" محمد رضا شاهی نیست! محمد رضا شاه هم می‌گفت، که آنها وقتی در سرفرست یا "پیشرفت های محیرالعقول انقلاب شاه و مردم آشنا شدند" به اشتباه خود پی بردند و کمر به خدمت رژیم او بستند!

استدلال می‌کنند، که علت مقاومت ایسران آزاد بخوانان در زندان محوف شاه آن بوده است، که آنوقت حرف آنها حق بوده است. بجای رد دیگر خواستار آزادی و عدالت اجتماعی در رژیم شاه شدن، حق بوده است. تا اینجا استدلالشان درست است! جنایتکاران و حامیلان آنها سپس بر مبنای این استدلال درست به تحقیق توده ها می‌پردازند و می‌گویند "استدلال"

انقلابی را که میتواندست با تکیه بر توده‌های زحمتکش خلق، در عرصه اجتماعی هم پیروز شود به در پیورگی و شکست کشاندند

"من به اینهایی که دارای املاک زیادی هستند و دارای ثروت زیادی هستند، به اینها عرض میکنم که يك قدری به حال این فقرا برسید. اینها را از خانه‌هایی که فرض کنید حالا نشستند شما دو هزار تومان میگیرید، می‌گویید من سه هزار تومان میخواهم. خوب يك قدری چیز بکنید، اینها هم زندگی داشته باشند ۱۰۰۰ آنها بیچاره‌ها قانع هستند به يك زندگی متوسط، به يك زندگی که بتوانند اعاشه خودشان را بکنند. يك سایشه سری داشته باشند." (جمهوری اسلامی - ۶ فروردین ۱۳۶۲)

این سخنان را با آنچه که در نخستین روزها انقلاب پیرامون "کوچ نشینان و کاخ نشینان"، "مستضعفان و مستکبران"، "عدالت اجتماعی"، "سندیت دستهای پینه بسته دهقانان برای مالکیت زمین، بوسه پیامبر بر کف دست کارگر و غیره و غیره گفته میشد مقایسه کنید تا به روی گرداندن کامل رهبری انقلاب از عدالت اجتماعی پی ببرید. هرچند ناچوانمردانه و وحشیانه به حزب توده ایران حاصل منطقی این پشت کردن به اهداف اولیه انقلاب است.

دیگر صحبت از ریشه کن کردن تبعیذاتی‌ها و زدبیاها و غارتگریها نیست. کلان سرمایه داران میتوانند ثروت‌های غارت شده از توده‌های محروم را حفظ کنند و به شغل "شریف" خود ادامه بدهند. بزرگ مالکان میتوانند زمین‌ها را پس بگیرند و نگاه دارند و خون دهقانان را بکنند. صاحبان صدها واحد مسکونی میتوانند همچنان به چپاول درآمد‌های مستأجران حقوق بگیر مشغول باشند. فقط با کمال خنوع خدمت آنان عرض میشود که "يك قدری به حال این فقرا برسند، زیرا" آنها بیچاره‌ها قانع هستند به يك زندگی متوسط، به نان بخور و نمیر به يك سقفی در - و پیکر، به زندگی در حلبی‌آباد. اینست آن چیزی که "علمای بزرگ" پس از چهار سال جستجو در کتب فقهی برای کمک به "مستضعفان" و "برقرار کردن جامعه عدل و قسط اسلامی یافته‌اند!"

کسانیکه مبارزات انقلابی قهرمانانه مسردم ایران و پیروزی شوک‌همند آن در بهمن ۵۷ آنرا بر اریکه قدرت نشاند، اینک بر اثر تحجر فکری و کج اندیشی و وابستگی‌های طبقاتی خویش، آنچنان انقلاب را مسخ کرده‌اند که باز شناختن بسختی میسر است. این دیگر انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی بهمن ۵۷ نیست. این يك انقلاب شکست خورده و اسیر دست عمال امپریالیسم و بازرگانان عده بازار و ملاکان است که در زمان شاه با پرداخت خمس و زکات و کمک‌های مالی به "حوزه‌های علمیه" عملاً ولینعمت روحانیون بودند و اکثریت آنانرا بخود وابسته کرده بودند. پس از انقلاب، این روحانیون که سالهای سال "پرورده" نعمت بزرگان" بوده‌اند حق نان و نمک را بجای

آوردند.

در سالهای انقلاب کارگران و دهقانان و کارمندان پولی در دست نداشتند که در اختیار "حوزه‌های علمیه" قرار دهند. آنان از جیب خود مایه گذاشتند و بپهای دهها هزار قربانی و معلول انقلاب را به پیروزی رساندند. ولی حالا معلوم میشود که پولهای پرداختی بازاریان به روحانیون بیش از دهها هزار شهید و معلول خلق به پیروزی "انقلاب اسلامی" کمک کرده است و باین جهت روحانیون از اعتماد مردم سوء استفاده کرده کم کم راه تسلط مستقیم سرمایه داران و ملاکان را برد ستگاه حکومتی هموار کردند. بد رنج در مجلس شورای اسلامی اکثریت را حائز شدند و شورای نگهبان، این مجلس سنیای دوران پس از انقلاب، یکسره متعلق به آنان و حافظ منافع نامشروعشان شد و در دیگر نهادها نیز تسلط عمال طبقات بهره‌کفر کاملاً آشکار گردید.

این واقعیت دردناک را فقط ما توده‌ها اینها نمی‌فهمیم. همه مسردم زحمتکش و شرافتمند ایران دارند کم کم به آن پی‌میبرند ولی افسوس که بر اثر خیانت قشریها به انقلاب، امکان واکنش مؤثر را از دست دادند. و به این آسانیه‌ها نمی‌توانند خود را از شر این بختک‌هایی که روی انقلاب افتادند و آنرا خفه کردند خلاص نمایند. مردم مسلمان و غیرمسلمان زحمتکش ایرانی چنین می‌پنداشتند که با ابراز اعتماد به روحانیو که خود را مردمی معرفی میکردند به آنان امکان میدهند اسلام نوینی را مستقر کنند که ارتباطی با اسلام امویان و عباسیان و ابن سعید هاند ارد و مدافع توده‌های زحمتکش خلق است و رامی‌شرفت اقتصادی و اجتماعی را میکشاید. اما آنچه که پس از گذشت زمان عرضه شد نکبتی است در زورق "اسلامی" که میهن ما را دهها سال از قافله تمدن به عقب برده و ببعلاوه دارد آنرا از نسو بصورت یکی از اقمار امپریالیسم درمی‌آورد.

وزیر کار سرمایه‌داران و دولت "انقلابی" فقر و ثروت را بونه آزمایش خداوندی وانمود میکنند. در پاسخ اوست که نماینده مردم خوبی در مجلس شورای اسلامی میگوید: "طرز تفکری که استعمار را مشیت خداوند میداند، تلقین قارونها، فرعون - نیان و امویان است و امروزه نیز کار شبکه خناسان میباشد. این آقایان میلیاردرها که در زمان شاه تمام کارخانجات و بانکهای او را اداره میکردند چه شده است که امروز همهشان سجاده و تسبیح بدست گرفته و دعوی طرفداری اسلام عزیز را دارند. بعلمت حاکمیت اینان بر اقتصاد کشور است که آن وزیر آمریکائی میگوید بازار ایران را نیاید از دست داد."

واقعا چطور شد که این میلیاردهای زمان شاه توسط حزب جمهوری اسلامی وارد مجلس شدند و سپس معلوم گردید که آنان نه از گروه

مسلمانان مبارز انقلابی، بلکه صاف و ساده از سرژان داران بازاری بوده‌اند که بخاطر حفظ بعدی منافع غارتگرانه خویش، لنگ لیگان بد نیال انقلاب می‌آید هاند. و تنها پس از اینکه مثلا به مقام وزارت بازرگانی رسیدند نقاب از چهره برگرفتند و خود را آنطور که هستند معرفی نمودند.

همین‌ها هستند که تبلیغ میکنند در کشور ما کمبود کالا وجود ندارد زیرا همه چیز پیدا میشود. اما با قیمت گران. نتیجه همین طرز تفکر است که میلیونها را میلیاردر میکند.

هنگامیکه آزاد شدن اقتضاح آمیز توزیع برنج ایرانی اعلام شد و فریاد اعتراض کارگران و دیگر زحمتکشان برخاست، یکی از نمایندگان مجلس با خشمی بحق فریاد زد: "این چگونه توزیعی است؟ در کدام مملکت حتی سرمایه‌داری چنین آشرفله قلمکساری وجود دارد؟"

این نماینده مجلس گفت: "وقتی در مجلس شورای اسلامی کاری بنفع مستضعفین انجام میگردد داد و فریاد میزنند که اسلام از بین رفت، اما الان که اینهمه استعمار آنها بشکل يك جریان انجام میگردد فریاد هیچکس بلند نیست."

ولی رهبری انقلاب که از مسائل بخرنسج اجتماعی و اقتصادی هیچ سردر نمی‌آورد، همچنان در پی ایجاد وحدت میان گرگ و بز برای "نجات اسلام" است: "آقا، در جاهای دیگر، صفهای طولانی بیشتر از اینجاست. اینجا قحطی نیست که، اینجا فراوانی است. منتهی گرانی است. گرانی هم علاج دارد. ما نوامیس خودمان را، اسلام خودمان را، جان جوانانمان را بخاطر -

ببند ازیم که گوشت گران است، میوه گران است." سرمایه‌داران و زمین خواران همچنان غارت میکنند و به فکر "نوامیس و اسلام نیستند". کارگر و دهقان دارند از گرسنگی میمیرند، کمرشان زیر بار گرانی بی‌بند و بار می‌شکند ولی از آنان سکوت و بردباری می‌طلبند تا "همین اسلامی" که به بین و برکت شورای نگهبان برگزیده امام بر کشور حاکم شده حفظ شود. "آنهاشیکه حق میزنند و بخیال خودشان دلشان برای اسلام میسوزد، آنها بداند که اگر این اسلامی که الان در اینجا هستر سیلی بخورد، اسلام تا آخر سیلی خورده است."

اما این اسلامی که اینک در کشور ما حاکم شده، همان اسلام امویان و عباسیان و ابن سعید هاست. هرآنچه که نشانی از اسلام زحمتکشان داشت بد رنج توسط شورای نگهبان منتخب امام زدوده شد. چنین "اسلامی" بدون شك از تاریخ سیلی خواهد خورد زیرا علیه منافع توده‌های کارگر و دهقان گام برمیدارد. این سیلی سخت حاصل تحجر فکری و ندانم کاری رهبران انقلاب است. سیاست ضد خلقی به هرنامی و در هر بسته بندی، که عرضه شود، سرانجام مفتضحاً شکست می‌خورد.

فاشیرم معمولی

ملحدند، خدا را قبول ندارند و جسارت کرده اند از حقوق کارگران و دهقانان دفاع کنند.

آقای رفسنجانی و شرکا، روزهای اول پس از انقلاب با اینکه میخواستند، نتوانستند تصمیم بگیرند و دستور نابودی فوری دگراندیشان را صادر نکردند. زیرا فکر میکردند "اسلام را شناخته اند و وقتی با آن آشنا شوند دست از عقابندشك الود والتقاطی برمیدارند" اما اکنون گنده دیگر چهارسال گذشته و همه با پوست و گوشت خود "اسلام" آقایان را شناخته اند و واقعا هم جز نابود کردن همه دگراندیشان و ایجاد وحشت در دیگران چاره ای باقی نمانده است.

هیتر هیتلر یان و کمونیستها را می کشیدند، جمهوری اسلامی اعضای فرقه های ضاله و همه دگراندیشان و کمونیستها را، هیتلر کتابهای مترقی و کمونیستی را آتش میزد، پاسداران جهل در جمهوری اسلامی نیز چنین میکنند. بلی بنسام فاشیرم، دیگری بنام اسلام، دخترکی به برادرش در خار- چنین مینویسد:

"برادر جان سلام يك خبر ناکوار، بابا را گرفتند. ساعت ۶ صبح روز يك شنبه ۱۷ بهمن به خانه ما آمدند. مادر شب سعال آشغال را بیرون گذاشته بود تا صبح بخاطر پدر زمان رنگ نزنند زیرا او بیمار بود و تازه يك هفته پیش از بیمارستان به خانه منتقل شده بود. صبح آنقدر رنگ زدند که مادر وحشت زد و جادریسردم در رفت، آنها ناکه ریختند نوبی خانه و گفتند برو کنار. مادر گفت پسرم شوهرم بیمار است. ولی کی حرف کوثر میداد. من در رختخواب کربه میزدم. پدر را از رختخواب پاره رفته روی برهنا تا دم گل فرسویی که در خیابان اصلی است و ۱۰۰ متر از خانه ما فاصله دارد کشان نشان میدادند، برادر زمان را هم که با شورت بود. هی می کشیدند بالا و هسی پائین. بالاخره همه ما را بردند. بعد از من بازجویی کردند و مرا به خانه آوردند. تا خانه را بگردند. همه کتابها را بردند آدرس تو را هم بردند."

از نامه مادری به پسرش در خارج: "پسر جان سلام امید وارم که حالت خوب باشد. از طرفی دلم برایت تنگ شده است از طرف دیگر خیلی خوشحالم که در ایران نیستی. وحشت از "اسلام" سراسر جامعه را فرا گرفته است."

خشونت های وحشیانه بهنگام دستگیری همه رفقا روی داد است. همه را بدون لباس، بدون عینک و حتی کسانیرا بدون دندان مصنوعی با خودشان بردند. دنباله این خسته و تشنه با بدورت شکنجه در بازداشتگاهها دنبال شده است."

همه چیز حالی از آن است که با يك فاشیرم معمولی سروکار داریم. ترکیبی از ساواک شاه و قشربکری که بعلت سردرگمی و نادانی رهبران روز بروز هارتر و خشن تر میشود و تنها راه نجات را در نابودی مخالفان بالقوه و بالفعل خود تصور می کند.

قبل از جنایت نشود. اما بعد مجاهد پسند جاسوسی خود را با سعادت شروع کردند و رهبر حزب توده هم خود را مدتی خط امامی جازید ولی ما تحمل کردیم چون خطرناک نبود. ولی همه چه که دیدیم دارند خطرناک میشوند و اسرار نظامی ما را در اختیار شورویها میگذارند. همه آنها را روانه زندان کردیم. ۱۰۰۰ اعضای ساده حزب توده که از خیانت های رهبری خود اطلاع نداشته اند میتوانند آسود خاطر باشند ولی هر چه زودتر بیایند خود را معرفی کنند. تا ما مانند هیتلر دفاعی روی سینه، پشت یا بازوی آنها بگذاریم تا مادام العمر معلوم باشد که مشرکند،

"نهرس پسرم! همه چیز، کتابها، همه را بردند، همه، همه چیز را خراب کردند. نهرس پسرم" نخست به بهانه دستگیر کردن "جاسوسهای روس" شیخون خود را آغاز کردند. اما خیلی زود معلوم شد که به جنگ کتابها، به جنگ علم و دانش آمده اند. و از هیچ خشونت و وحشیگری رویگردان نیستند. "ما با اینها، با اعضای این گروهکها در زندانهای شاه بودیم و آنها را خوب میشناختیم. میتوانستیم همان روزهای پس از انقلاب همه آنها را نابود کنیم ولی دست نگاه داشتیم که قصاص

این جهان ما جهان بوده است

بودها آن را چو تار و پودها است. هر چه خواهد بود، هست و بود نیز. خود نیار آمد به سان رده ها این شود نابود، آن گه آن شود. در دل نابودها، نبودان نگر بودها زاینند از نابود بود. شد کمانی به سر پیکان زمان؛ بود دیروزی است، بود رفته است؛ مرغ فردا بال و پسر خواهد گشود؛ مام فردا دختر دیروز ما. از سیاهی گذشته شد فرا؛ سبزی آیند، نو آفرید. تخم مرده، نو گل نیاز دای. هم پیام کهنه، هم پیک نواست. قلب هر چیز است يك میدان جنگ. زو بیالاید حرم خنانه را. آنچه نوبوده است، خود نوتر شود. می فرایند، می فرزند خود به خود. ليك دارد، چیزکی زان دو فزون؛ تخم و غنچه، نیست چون گل عطریز. از گذشته، هم ز اکنون برتر است. می رود، زان پس بیایند روز من؛ شام تیره، بام را آستین است. زاده بر زاینده، یابند چیرگی. صبح تارسیخ بشر ناگه دمدم. در دل تاریخ، آن سگومی روییم. سیر تاریخی کجا از ما جداست؟ راه تاریخی خود، کوه کنیم. مرد اکنون را کند آینده ساز. چشم ما بر طلعت آینده یاد!

این جهان ما جهان بوده است؛ هر چه هست و بود، خواهد بود نیز؛ ليك پونده است ذات بودها؛ هر چه را "این" گوی، آخر "آن" شود. در دل هر بود، نابودان نگر بود؛ بود، نابود است و نابود است، بود؛ چنبر بود و نبود، بسی کسان آنچه با نابودی خود، گذشته هست؛ چون شود نابود آنچه هست بود؛ مرز دیروز است و فردا، روز ما. سرخسی اکنون طوفانی ما. از دل سرخ کون آید پدید. بین درون غنچه نوزاده ای، هر چه را تو بنگری، آن يك، د و است، کهنه و نودر ستیز بسی در ننگ؛ نو فرو کوند رقیب کهنه را، زین کشاکش، خویش هم دیگر شود، بونی در پیش جاوید خود، گل ز تخم و غنچه می آید بیرون، گل، گل است و غنچه و تخم است نیز. زین سبب آینه پرمایه تر است، رفت دیروز من و امروز من. روز من فردا است، فردا روشن است؛ روشنی زاید ریط من تیرگی، گر بخواهی هر نخواهی، شب رود، ما همه در راه صبح روشنیم. سیر ما سازند تاریخ ما است. چون دوان با شوق و آگاهی روییم، جنبشی از جان و دل، با چشم باز، آفتاب زندگی تاباننده یاد،

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی

و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

آیا حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران «یکدست» شده است؟

بخش از صفحه ۱

اما اکنون این سؤال بد رستی مطرح است، که آیا پس از یورش به حزب توده، ایران و به کار بردن شیوه‌هایی که از ساواک به ارث برده شده است و در خدمت گرفتن آگاهانه فسر - دوست‌ها و کشمیری‌ها و کلاهی‌ها، می‌توان هنوز از "دو خط" در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران صحبت کرد؟

ترکیب نیروها در حاکمیت اکنون چگونه است؟

۱- نیروهای راست

این نیروها عمدتاً در سازمان حجتیه متمرکز شده‌اند. آنها در اوایل انقلاب و تا بعد از عزل بنی‌صدر هنوز نیروی یک‌دستی را تشکیل نمی‌دادند. به ویژه در جریان و پس از برکناری بنی‌صدر از ریاست جمهوری، و با تحکیم هر روز بیشتر مواضع "ترویس‌های اقتصادی"، که سرمایه تجاری تازه بدوران رسیده بازار را تشکیل می‌داد، زمینه تحکیم مواضع راستگرایان و ضد انقلاب و یک دست شدن صف آنها و اهداف روز آنها، آماده‌تر شد. این نیروها توانستند با به کار بردن شانتاژ ضد کمونیستی و با استفاده از تجارب رژیم شاه در این زمینه و همچنین با سوء استفاده از جنگ تحمیلی به عنوان وسیله کمکی برای غارتگری اقتصادی خود از یک سو و به گمراهی کردن عناصر واقع‌بین در حاکمیت از سوی دیگر و بالاخره با برخورداری از کمک‌های پوشیده و علنی، مستقیم و غیر مستقیم ضد انقلاب و امپریالیسم، به ویژه نوطنه‌های براندازی و ترور شخصیت‌های ضد امپریالیست و ضد سرمایه‌داری، مواضع خود را در تمام نهادها و ارگانهای انقلابی تحکیم کنند. آنها توانستند با عناصر خود را بر سر مواضع خالصی شده قرار دهند، و با "منش‌کاخ نشینی" را به عناصر منززل تزریق کنند، آنها را "مغز شویی" کنند و به خدمت خود و اهداف خود در آورند. اکنون می‌توان از این صحبت کرد، که این نیروها در حاکمیت نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کنند و مواضع کلیدی را در اختیار گرفته‌اند.

۲- "خط" مقابل راستگرایان

این نیروهای مسلمان مبارز، که زمانی به دو گروه بزرگ واقع‌بین و روشن بین تقسیم می‌شدند، در روند دو سال اخیر مواضع وسیع و تعیین‌کننده‌ای را از دست داده‌اند. نظریات آنها که طیفی را تشکیل می‌داد، اکنون بشدت پراکنده شده و هر نوع "یک‌دستی" را از دست داده است. لذا صحبت از یک "خط" را باید

کوششی برای تفهیم تغییرات ایجاد شده فیهید.

ویژگی‌های این "خط"

ویژگی‌هایی که می‌توان اکنون برای این "خط" ترسیم کرد عبارتند از:

اول - بی‌برنامه‌گی و عدول از اهداف اولیه این نیروها و عناصر امید خود را از دست داده‌اند، که بتوانند اهداف اولیه‌ای را که دنبال می‌کردند، تحقق بخشند و عدالت اجتماعی را به نفع زحمتکشان تأمین سازند. این نیروها، که در دوران قادر بودند قانون اصلاحات ارضی را از شورای نگهبان بگذرانند، که با اجرای آن بزرگ زمین داری، فئودالی و خان باری پایان می‌یافت، این نیروها، که در دورانی از جمله اصل ۱۰۴- قانون اساسی را در مجلس خبرگان تصویب کردند، که شوراها را به عنوان شکل اعمال حاکمیت خلق، تثبیت می‌کرد، و با اصول بخش سوم قانون اساسی در مورد "حقوق ملت" را در قانون اساسی گنجانده‌اند، این نیروها که مدافع استقرار بخش دولتی اقتصاد به عنوان بخش عمده و تعیین‌کننده اقتصاد بودند و آنرا در اصل ۴۹ قانون اساسی تثبیت کردند، اکنون امید خود را به طور کامل از دست داده‌اند، که بتوانند دیگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را، که خود در مجلس خبرگان تدوین کردند و انطباق آنرا با "موازین شرعی" تأکید کردند، در عمل پیاده کنند و به مورد اجرا در آورند. آنها امید خود را برای تحقق قانون اساسی از دست داده‌اند و با آن "روح مردمی" قانون اساسی و نص صریح آن را بی‌فروموشی سپردند!

علت آن که این نیروها امید خود را از دست دادند، که بتوانند اهداف اولیه خود را تحقق بخشند، از جمله آن بود، که در راه "چگونگی" طی کردن راه رسیدن به این اهداف دچار سردرگمی بودند. آنها قادر نشدند از تجارب انقلابات پیروزمند ضد امپریالیستی و آزاد بخش بهره‌جویند و در انطباق آن تجارب واقع‌نمندی - های کلی یا ویژگی‌های انقلاب ما راه تعمیق و پیروزی نهایی انقلاب را هموار سازند. آنها زیر فشار شانتاژ ضد کمونیستی و ضد شوروی کمر خم کردند و به جستجوی "راه سومی" پرداختند که وجود خارجی ندارد! "راهی" که جستجوی آن خود کسره راه است.

دوم - ویژگی دیگر این نیروها عبارتست از آن که آنها دیگر از یک "یک‌دستی" تقریبی نیز برخوردار نیستند. طیفی که نظریات و اهداف آنها را تشکیل می‌داد، اکنون بشدت وسیع‌تر و پراکنده تر شده است. این پراکندگی عمدتاً در جهت "راست" توسعه یافته است. اما تردیدی نیز وجود ندارد، که بخش پیگیر مسلمانان مبارز می‌تواند از جریانهای جدید، از یورش

و برانگیزانه راستگرایان و تحکیم مواضع آنها، در رس‌های پرتزتی‌بیا مورد و به جوهر نبرد طبقاتی بیشتر واقف شود. باید به غلام این شناخت و آموزش توجه ویژه‌ای مبذول داشت.

ترکیب جریانها در این "خط"

اکنون می‌توان این جریانها را در این "خط" بازیاقت:

- تسلیم طلبان،

این نیروها و عناصر آن جریانی را تشکیل می‌دهند که نمایندگانشان اغلب جزو "توابع" سازمان حجتیه بوده‌اند. بخش "صادق" آن در جریان طولانی مباحثات و عقب نشینی در مقابل نیروهای راستگرا به مرز تسلیم آنها رسیده است و اکنون - برای حفظ موقعیت و مقام خود و بنا حتی حفظ جان خود - به پرچمدار راستگرایان و اهداف آنها تبدیل شده است. این عناصر شاید دیگر از توبه خود نیز پشیمان شده باشند، و از آنجا که می‌دانند، که راستگرایان این توبه را به آنها نخواهند بخشید، در سینه‌جاک کردن برای آنها، و اهداف آنها در هر صحبتی، از سخنان قبلی خود، گوی سبقت را می‌ریزند.

- معاشاگران،

این نیروها، که تاکنون با مباحثات و عقب نشینی - های خود خدمات جدی به انقلاب وارد ساخته - اند، هنوز در این گمراهی خطرناک و کشنده باقی هستند، که می‌توانند از این طریق "چیزی" از انقلاب را نجات دهند. آنها غافل در سرراشیب تسلیم طلبی سوق خواهد داد و اگر بخود ایستند، هندی زمانی خواهد رسید، که چشم باز کنند و خود را در دام راستگرایان، ارتجاع و ضد انقلاب به بینند. این سرراشیب تندی است، که در راه آن فقط خس و خاشاک می‌ریزد. خس و خاشاکی که توان حفظ سقوط کنند را ندارد!

- جریان دیگر را نیروهای صادق انقلابی و مبارزی تشکیل می‌دهند، که اگر به تنها راه، راه پیگیر انقلابی و قاطع و روشن بینی، قدم بگذارند، نیروی رشد یابنده‌ای خواهد بود، که می‌تواند با یافتن متحدین واقعی داخلی و خارجی انقلاب، با کمک برای ایجاد جبهه متحد خلق و به کمک توان انقلابی پایدار زحمتکشان، انقلاب را نجات دهد و از سقوط ننگین آن به دامن ضد انقلاب جلوگیری کند.

ما دست‌دستی و هم پیمانی صادقانه‌ای را که همیشه بسوی این نیروها دراز کرده بودیم، بازم استوار و بدون ناروشنی بسویشان دراز می‌کنیم و از آنها می‌طلبیم، برای نجات انقلاب آنرا بفشارند و جبهه متحد خلق را با حزب ما، حزب مدافعان پیگیر اهداف ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب، تشکیل دهند.

این است تنها راه نجات انقلاب.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

نباید گذاشت اسرار این جنایت...

بقیه از صفحه ۵

عادی و " داوطلب " آزمایش کرده اند. البته جای تعجیب نیست: در این کشور در سال ۱۹۸۱ مایه از مغز بیمار مبتلا به اسکیزوفرنسی (Schizophrenie) را به ده نفر " داوطلب " محکوم حبس ابد در ازای آزادی آنها تزریق کردند که ۳ تن از آنها باین بیماری مبتلا گشتند!!

گزارش دیگری درباره نحوه به کاربردن داروهای مکمل شکنجه روانی و جسمی، که توسط یک پزشک متخصص دیگر در اختیار " راه توده " قرار گرفته است:

در دهه های اخیر برای سرکوب و منفعلس کردن افراد آزاد یخواه و مترقی در آمریکا از روش روانپزشکی و روان دارویی استفاده شده است، برخلاف شکنجه جسمی که انسانها در مقابل آن قادر به مقاومت تا پای شهادت اند. بطور مثال افسران توده ای با ۲۵ سال شکنجه در زندانهای شاه بدون کوچکترین خلی در ایمان به عقیده شان، یا رفقای شهید روزبه حکمت جو، تیز زابی، گل سرخی، دانشیان و دیگر میهن پرستان زمان شاه را میتوان نام برد و یا معالجه دردهای جسمی مقاوم در مقابل مسکن های قوی مانند مورفین را با دوره های ۶ ماهه تا یکساله با روش تمرکز فکر میتوان تسکین داد را نام برد. پس از نظر پزشکی انسان قادر به فائق آمدن بر دردها از جمله شکنجه جسمانی میباشد، در نتیجه متداوله در آمریکا داروهای هیپنوتیک کننده (Hypnotic Farmacy) استفاده میشود که تولید خواب مصنوعی با از دست دادن اراده را موجب میشوند. مثال ساده آن، داروهای بیهوشی در جراحی است که تزریق آن بیمار را بدون کوچکترین مقاومت و اراده ای با خود به حالت اغما میرسد، در روش اجبار به اقرار

کذب و ناخواسته که به مراتب وحشیانه تر و غیر انسانی تر است. مکانیزم این روش به این صورت است که محکوم را بعد از یک هفته تا ده روز زیر شدیدترین شکنجه های جسمی و شوک های شدید الکتریکی قرار میدهند و با اصطلاح پزشکی بدن را آماده و مستعد پذیرش میکنند. همزمان با شروع شکنجه جسمانی، دست به تزریق این نوع داروها که مهمترین آنها از خانواده باربیتورات Barbiturate و از خانواده مغز باربیتورات مانند Glutetemide و Diclofenazone و غیره میباشند. با استفاده از مدار زیاد آن در چندین نوبت و بعد از چند روز این اثرات در محکوم بوجود میآید که مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱- کاهش شدید هوشیاری
- ۲- از بین بردن کامل عملکرد فکر و هوش
- ۳- از دست دادن کامل Autocontrol بطوری که بیمار از خود کوچکترین کنترل بی حرکات، رفتار و تفکر خود ندارد.
- ۴- از بین بردن قدرت قضاوت و انتقاد و قدرت تشخیص نسبت به اشیاء خارج از فکر خود.
- ۵- عدم شناخت نزدیکترین افراد خانواده مانند زن، بچه، مادر و غیره.
- ۶- اعتیاد جسمی و روحی که با ترسیدن دارو به بیمار، تولید طیش قلب استفرغ، اضطراب، دردهای شکمی و عضلانی و تکانهای شدید عضلانی، حالتی شبیه به محتادین هروئین ولی مهمترین اثر داروهای هیپنوتیک کننده بعد از تزریق مقدار زیاد برای مدتی در بیمار یا محکوم تولید پسیکوزی مسمومی یا جنون مسمومی (Toxicity Psychosis) است که تولید شرایطی شبیه به اسرورفی (فروپاشی روان) معروف به Depersonalization یا خورد شدن و احساس از بین رفتن کامل شخصیت روانی، فکری و وجود است. مسموم Depersonalized با احساس شخصیت فروپاشیده، خود را در مرکز دنیا

می بینند و انگار تنها موجود این کره است. مسموم روانی خود را شیئی از دنیا خارج میدانند بدون کوچکترین قدرت فکری، اراده، دفاع و عکس العمل، کاملاً بمانند شیئی جامد با تسلط کامل دنیا بر روح و جسم وی. بیمار مسموم شده هیچگونه احساس وجودی برای خود ندارد چون خود را در این دنیا تنها موجود میداند بنابراین این تمام بار سنگین فشارها، اثرات و دستورات برگرده است، او مجبور به تحمل آنها بدون اراده و دفاع است، و او خود را موظف به اجرای دستورات و اثرات وارد از خارج میداند. مجموعه این علائم را اصطلاحاً روانپزشکی Xenopatic Syndrome (بیماری احساس فشار، تحمیل و اثر دستورات وارد از خارج موظف به اجرای آن) معروف است. البته اثرات مخرب بسیار دیگر هم بر روی تفکر، تعقل و روان دارد که خارج از وقت نامه است.

این روش را میتوان پیشرفته ترین، کامل ترین و موثر ترین نوع شکنجه مخری نام برد. آمار آزمایشات انجام شده حتی یک نمونه مقاومت در مقابل این روش را نشان نمیدهد. وقت شد که وزیر کشور و دادستان کل انقلاب آنقدر به عملکرد این سیستم اطمینان داشتند که بلافاصله فردای روز دستگیری رفقا، در مصاحبه های خود اعلام کردند، که همه افراد دستگیر شده " حزب توده " ایران به " جاسوس " بودن خود اعتراف کرده اند! (البته بدون انجام بازجویی، یا داشتن مدارک کتبی). طبق تحقیقات و انتشارات سازمان حقوق بشر، این روش بصورت متداول در کشورهای فاشیستی آمریکای جنوبی و مرکزی و بخصوص در آفریقای جنوبی و اسرائیل بر علیه مخالفین بکسار برده میشود. در این خصوص باید گفت که اسرائیل جزو نادر کشورهای صادر کننده متخصص این روش مسمومیت روانی است. در سالهای آخر دوره شاه و در این روش اجبار و تلقین به اعتراف کذب و ناخواسته، از طریق کارشناسان شکنجه اسرائیل وارد ایران می شد.

محافل بین المللی و افکار عمومی جهانی نمایش شوم علیه حزب توده ایران را محکوم می کنند

بقیه از صفحه ۱۰

شکنجه و فشار علیه مبارزین در بند توده ای گردیده و آزادی فوری آنان را خواستار گردیده اند. هواداران این حزب و سازمان دانشجویان کسود عراقی تاکنون صد ها نامه بنظور ابزاز انزجار از این اعمال، به مقامات مسئول و سفارت ایران ارسال داشته اند.

نمایندگان حزب کمونیست بولیوی در سوئد، طی ارسال تلگرامی به دفتر امام در تهران، نسبت به بازداشت غیرقانونی رهبران و اعضا حزب توده ایران و اعمال روشهای غیر انسانی نسبت به این زندانیان شدید اعتراض نموده و خواستار آزادی فوری آنان گردیده اند.

روزنامه " فلامان " ارگان حزب کمونیست کارگری سوئد طی درج مقاله ای در باره دستگیری و شکنجه رفقای حزب توده ایران، خوانندگان خود و افکار عمومی سوئد را به ارسال نامه های اعتراضی در این رابطه به مقامات مسئول ایران دعوت نموده است.

در جلسه همبستگی با خلق کامپوچیا در ششم ماه مه، از طرف کمیته همبستگی با کشورهای هند و چین، بیانیه ای در مورد اعتراض شکنجه و آزار ورد " اعترافات " رهبران حزب توده ایران قرائت گردید که مورد تأیید حاضرین قرار گرفت.

موج اعتراض و تظاهرات در یونان ادامه دارد

در تظاهراتی که ه سازمان منطقه ای حزب

کمونیست در آتن در جلوی سفارت جمهوری اسلامی ایران بر پا کردند، صد ها تن شرکت داشتند. سفارت ایران از پذیرفتن اعتراض نامه تظاهر کنندگان خود داری نمود.

۲۲ سند یکای کارگری در یونان قطعنامه ای امضا کرده و در آن آزادی فوری رهبران و اعضا حزب توده ایران را خواستار شدند.

اتحادیه کارگران سالونیک نیز اعتراض نامه ای بهمین مضمون برای سفارت ایران فرستاده است. اتحادیه پزشکان آتن، در نامه ای که کتیباً به سفارت ایران ارسال داشته، عدم شرکت خود در سمینار پزشکی را که در پائیز امسال در تهران برگزار خواهد شد، با اطلاع مقامات دولتی ایران رسانیده است. علت عدم شرکت، پایمال شدن عدالت اجتماعی و سرکوب احزاب داریان ذکر شده است.



رژیم پینوشه میلرزد

رژیم فاشیستی پینوشه که ده سال از بقدرت رسیدنش میگذرد، تظاهرات مردم این کشور در "روز اعتراض ملی" را با بکارگیری تمام وسائل سرکوب، به خون کشید. صدها هزار نفر که پیه فراخوان احزاب و جمعیت های مرفی کشور به خاطر اعتراض به دیکتاتوری و اختناق در کشور در سراسر کشور گرد هم آمده بودند، جوایی جز چماق و گلوله دریافت نکردند. صدها نفر پراثر حمله وحشیانه پلیس تعلیم دیده توسط آمریکا کسان مجروح شدند و دو جوان مبارز جان باختند. سندیکا های کارگری کشور مردم را به اغتصاب و نبرد اختن به هیچ کاری، جز شرکت در اجناعات اعتراضی دعوت کرده بودند. حتی مدارس نیز، کار تدریس را در این روز تعطیل کردند. کارگران، خصوصاً در مناطق معادن مس و علیرغم تحسین شدید نیروهای سرکوبگر و استفاده از تانک و گاز اشک آور و غیره، خواست خود مبنی بر بازگشت مناسبات دمکراتیک را بدون تزلزل برقرار داشتند. ادارات، وسایط نقلیه عمومی در اکثر شهرهای بزرگ نیز کار خود را تعطیل کرد بودند. اعتراضات هفته گذشته در شیلی، نشاندهنده رشد روز افزون جنبش علیه دیکتاتوری پینوشه است که بدنیال کودتای آمریکایی علیه دولت خلقی دکتر سالوادور آلینده بقدرت رسید.

نتیجه مسافرت شولتز

قرار دادی را که تحت فشار سه مکن آمریکا، میان اسرائیل و لبنان در هفته گذشته منعقد شده نمیتوان چیز دیگری جز ادامه سیاست تجاوزکارانه اسرائیل علیه لبنان خواند. دولت لبنان بر سر دو راهی قرار داد مشدکه

هر دو به تن دادن به سلطه اسرائیل و نهایتاً آمریکا بر این کشور عربی منتهی میشود. یکی قبول ادامه اشغال بخش بزرگی از کشور توسط اسرائیل و دیگری سپردن حق کنترل و نظارت در مرزی پهنای ۴۵ کیلومتر به اسرائیل. آمریکا و اسرائیل لبنان را واداشتند که با محدود ساختن نیروهای نظامی خود موافقت کند، بدین ترتیب دست های دولت لبنان بطور مطلق بسته خواهد شد و اسرائیل امکان این را خواهد یافت که هر طور که باب میلش باشد در لبنان حکمروایی کند. اما از طرف دیگر نیروهای مرفی منطقه و لبنان نیز ساکت ننشستند.

سازمان آزادی بخش فلسطین، این موافقت ها را که تحت نفوذ آمریکا انجام گرفتند شدیداً رد کرده است. سوره اعلام کرده است که این موافقت ها به لبنان تحمیل شده و به دنیای عرب زبانهای جدی میرساند.

حزب کمونیست اسرائیل نیز این موافقت ها را مردود اعلام کرده و دولت اسرائیل را فراخوانده است تا بدون قید و شرط نیروهای خود را از لبنان و همچنین از سر زمینهای اشغالی سال ۱۹۶۷ اعراب خارج ساخته و حق خلق عرب فلسطین برای ایجاد دولت مستقل فلسطینی را به رسمیت بشناسد.

برزیل

حزب کمونیست برزیل کارزار وسیعی را در سراسر کشور برای افاده قانونیت حزب آغاز کرده است. حزب کمونیست برزیل تمام مردم این کشور را فراخوانده است تا همراه حزب برای کسب اجازه فعالیت قانونی به مبارزه برخیزند. حزب کمونیست برزیل اعلام کرده است که قانونیت بخشیدن پیه فعالیت حزب، سهم شایسته ای در تحکیم دمکراسی در کشور ادا خواهد کرد.

این کشور آمریکای جنوبی شاهد بحران عمیق اقتصادی است. میزان بیکاری در شهرهای بزرگ این کشور بسیار بالاست. تنها در شهر ساو پائولو که به داشتن محله های وسیع آلونک ها معروف است و جز شهرهای پر جمعیت برزیل است، قریب نیم میلیون نفر از حق داشتن کار محرومند. در ماههای اول سال جاری، نرخ تورم، رقم

۴۰ درصد را نشان میدهد. اقتصاد دانان برزیل پیش بینی کرده اند که این رقم تا پایان سال جاری به مرز ۱۰۰ درصد خواهد رسید. برزیل ۸۵ میلیارد دلار به بانکهای آمریکایی و اروپای غربی مقروض است.

مقتولین "سیایی"

چنانکه روزنامه آمریکایی "نیویورک تایمز" نوشته است در انفجار سفارت آمریکا در بیروت که چند هفته پیش بوقوع پیوست، تعدادی از جاسوسان "سیا" نیز به قتل رسیدند. طبق نوشته این روزنامه این انفجار زمانی انجام گرفت که مأموران "سیا" در حال مذاکره با رابرت ایمز، رئیس بخش خاور نزدیک و آسیای جنوبی سازمان "سیا" بودند. ایمز نیز در این انفجار کشته شده است. چنانکه از گزارشات گوناگون بر میآید هیچکس مایل نیست تعداد واقعی تلفات و نام آنها را اعلام کند. طبق نظر روزنامه "انترناشنال هرالد تریبون" آمریکا بدین علت از ذکر نام مأموران کشته شده "سیا" خودداری میکنند که اکثر آنها به عنوان دیپلمات ویا وابستگان اقتصادی و غیره سفارت خانه آمریکا فعالیت داشتند و ذکر نام آنها، بسیاری از اسرار پنهانی آنها را خصوصاً روابطشان را بر ملا خواهد ساخت. مرکز "سیا" در لانگلی آمریکا، اطلاع داده است که در انفجار ساختمان سفارت آمریکا در بیروت، تعداد بیشتری از مأموران "سیا" در مقایسه با تمام دوران جنگ ویتنام، کشته شدند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در هایدلبرگ هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

علی و فرنگیس از آلمان فدرال ۱۰۰ مارک آنتون ۲۰۰ مارک

RAHE TUDEH
No. 42
Friday, 20 May 83

Winfried Schwarz
Address: **Markgrafenstr. 13**
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30	P.
West-Germany	Belgium 22	Fr.
1 DM	Italy 600	L.
France 3 Fr.	U.S.A. 40	Cts
Austria 8 Sch.	Sweden 3	Skr.

روزنامه مورنینگ استاز رهبران ایران به سرکوب روی می آورند

وارد ه اعلام داشته است. کمیته مرکزی حزب توده ایران خواستار اعزام يك هیئت از ناظران بی طرف بین المللی، شامل حقوق دانان و پزشکان، به منظور افشاء شیوه های شکنجه جسمی و روحی، به آنها تیکه به زندان افکنده شده اند، شده است.

اکنون در مقابل اتفاقات آینده در ایران، کارگران این کشور در يك محک آزمایش قرار دارند. جنبش کارگری در ایران در مقایسه با بریتانیا ضعیف است.

برای انقلاب ایران فرصت زیادی نمانده است. دفاع از حزب توده ایران پیه نحوه ایسی، دفاع از انقلاب ایران و همچنین

دفاع از مبارزه جهانی برای صلح و تفاهم بین المللی است.

امپریالیسم بریتانیا همواره عمیقاً در تاریخ ایران دخیل بوده است. مخصوصاً از طریق دخالت های شرکت نفتی بی. پی. (بریتیش پترولیوم). نقش بریتانیا برای ده ها سال پشتیبانی از شاه دیکتاتور، نقشی مهم و قطعی بود.

جنبش کارگری بریتانیا اینک مسئولیت سنگینی برای ارائه همبستگی خود پیه انقلاب ایران و پیوسته به حزب توده ایران، که پیگیرانه در مبارزه علیه ارتجاع در ایران پیشتاز بوده است، بعهده دارد.